

اقتضائات و شرایط اجرایی راجع به نظارت بر امر تعقیب و تحقیق در ایران و سوریه؛ مطالعه تطبیقی

چکیده

نظارت قضایی عبارت است از اتخاذ نظارت از سوی قضات دادگاه یا قضات متخصص مستقل و خارج از نهاد دادرسی بر اقدامات و تصمیمات نهاد دادرسی از جمله بازپرس و به خصوص ناظر بر اقدامات محدود کننده حقوق و آزادی های افراد در مرحله پیش دادرسی کیفری است. دست یابی به الگوی مطلوب نظارت قضایی بر امر تعقیب و تحقیق، به صرف رعایت و پیش بینی اقتضائات و شرایط قانونی و قضایی محقق نمی گردد؛ بلکه علاوه بر این اقتضائات و شرایط اجرایی ضروری است. پژوهش حاضر به روش کیفی، ضمن بهره گیری از ابزار مصاحبه عمیق و تحلیل اسناد و مدارک، صرفاً با تدقیق بر اقتضائات و شرایط اجرایی ضروری جهت ارتقای و تقویت نظارت قضایی بر اقدامات متولیان امر تعقیب و تحقیق موجود در ایران و سوریه، می پردازد. ادبیات موجود در ایران و سوریه در خصوص نظارت قضایی، در مقایسه با کشورهای غربی از عقب ماندگی قابل توجهی رنج می برد و نیاز به اصلاحات جدی در این زمینه دارد. کوتاهی قانون گذار در پیش بینی تضمین های اجرایی نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و سوریه موجب شده است که سوء استفاده های قابل توجهی صورت گیرد. یافته های پژوهش حاکی از ضرورت به کارگیری شماری از سازکارهای اجرایی در نظارت قضایی بر اقدامات تحقیقی و تعقیبی در راستای رسیدن به الگوی نظارتی مناسب در نظام دادرسی کیفری ایران و سوریه است. این تضمینات عبارتند از لزوم افزایش سازکارها نظارتی بر جرایم مشهود در مقایسه با جرایم غیر مشهود، بهره گیری از فناوری های نوین جهت افزایش دقت در نظارت، اعمال ضمانت اجرا در قبال تخلف نهاد ناظر و نظارت شونده، برگزاری دوره های آموزشی مستمر و ترویج فرهنگ نظارت پذیری، حفظ استقلال نهاد متولی امر تحقیق از رابطه سلسله مراتبی و سیطره نهادی، تداوم و استمرار در نظارت است.

واژگان کلیدی: شرایط اجرایی، اقتضائات اجرایی، تعقیب، تحقیق، نظارت قضایی.

مقدمه

مسأله اصلی بررسی نظارت قضایی^۱ بر قرارهای تعقیبی و تحقیقی در بخش «ساختارها» در راستای «تأمین حقا» است. محرومیت و تقييد حقوق و آزادی های فردی همواره استثناء باقی می ماند (عمرانی فر و دیگران: ۴۷) و ضروری است که این تصمیم های استثنایی کاملاً متناسب با شدت اتهام، محدود به ضرورت های دادرسی و با مجوز مقام قضایی باشد. پیش بینی نهاد نظارت قضایی بر دادرسی با نظام های اتهامی سازگارتر از نظام های تفتیشی است (Stahn, 2009: 247-279) و از اصول پاسداشت حاکمیت قانون است که در قوانین اساسی برخی کشورها تأکید شده است (سرور، ۱۹۷۷: ۱۵۲). فرانسه در راستای تضمین حقوق و آزادی فردی، در سال ۲۰۰۰م، قاضی بازداشت و آزادی ها را مطرح ساخت و پس از آن، با گذشت زمان اختیارات این قاضی تقویت شد (vie-publique, 2023). در قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا مصوب سال ۱۹۸۹م، در مرحله تحقیقات مقدماتی قاضی رسیدگی جلسه اولیه^۲ یا ارزیابی اولیه و قاضی تحقیقات مقدماتی^۳ پیش بینی شده است (Fabri, 2008: 5). این قاضی ویژگی متفاوتی با بازپرس و قاضی تحقیق سنتی دارد (صابر، ۱۳۸۸: ۱۸۷)؛ قاضی رسیدگی جلسه اولیه یا ارزیابی اولیه، نظارت بر تصمیم های دادستان از قبیل شنود تلفنی، بازداشت و غیره را بر عهده دارد. قاضی تحقیقات مقدماتی و وظیفه صدور کیفرخواست و همچنین کنترل دادرسی ویژه ای را بر عهده دارد که در قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا در سال ۱۹۸۹م. بیان شده است (Fabri, op.cit: 5). از سوی دیگر، دیوان کیفری بین المللی نیز این رویکرد را دنبال نمود که قضات شعبه مقدماتی دیوان بر شروع تحقیقات از سوی دادستان

۱. نظارت قضایی بر امر تعقیب و تحقیق دارای گونه ها و تقسیمات متعددی از آن در نظام های کیفری دیده می شود. (Jabban et al, 2024A)

۲. Juge des libertés et de la détention (JLD)

۳. Giudice dell'udienza preliminare (GUP)

۴. Giudice per le indagini preliminari (GIP)

نظارت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، دادستان استقلال دارد، اما تابع نظارت قضایی است (Mariniello, 2019: 917--1013)؛ لذا تصمیم برای آغاز تحقیقات باید به تأیید شعبه مقدماتی برسد که مرکب از سه قاضی است (آقای جنت‌مکان، ۱۳۸۷: ۲۴۸). در واقع، احترام به فرض برائت و قانونی بودن اقدام‌ها برای تحقق جنبه شکلی اصل قانونی بودن کافی نیست؛ بلکه این اقدام‌ها باید زیر نظر مقام قضایی انجام شود (المزوری، ۲۰۱۹: ۵۷).

ادبیات موجود در ایران و سوریه در خصوص نظارت قضایی، در مقایسه با کشورهای غربی از عقب‌ماندگی قابل توجهی رنج می‌برد و نیاز به اصلاحات جدی در این زمینه دارد. کوتاهی قانون‌گذار در پیش‌بینی تضمین‌های اجرایی نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و سوریه موجب شده است که سوءاستفاده‌های قابل توجهی صورت گیرد. طبق قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب سال ۱۳۹۲ ه.ش. کشف جرم بر عهده ضابطان دادگستری^۱، تعقیب بر عهده دادستان^۲ و تحقیق بازپرس^۳ است. اما در سوریه، طبق قانون آیین دادرسی کیفری سوریه مصوب سال ۱۹۵۰ م. کشف جرم بر عهده ضابطان دادگستری^۴، تعقیب بر عهده دادستان^۵ یا نماینده او، تحقیق بر عهده قاضی تحقیق^۶ و قاضی ارجاع‌کننده^۷ است.

در سوریه طبق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ریاست و نظارت بر اعضای دادسرا به خود دادستان واگذار شده است. طبق بند ۱ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک.س. همه ضابطان دادگستری از جمله قضات تحقیق، تحت نظر دادستان کل قرار می‌گیرند. در ایران نیز طبق ماده ۲۸ و ۳۲ و ۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری، نظارت و ریاست بر اعضای دادسرا از جمله بازپرس‌ها و دادیارها بر عهده دادستان است. بر اساس ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، دادستان در رأس دادسرا قرار دارد و تعدادی دادیار، کارمند و بازپرس در اختیار دارد. بر اساس ماده ۸۸ ق.آ.د.ک.ا. دادیاران تمام وظایف و اختیارات دادستان در امور محوله را دارند و تحت نظارت و تعلیمات وی عمل می‌کنند (رحمدل، ۱۳۹۶: ۵۲). مقامات قضایی و قانونگذار ایران و سوریه در مواضع مختلف به صرف ذکر نظارت در قانون و عدم اهتمام به آنچه در رویه عملی است، بنیان‌های نظارت را تضعیف کرده و به نقض حقوق و آزادی افراد و تضعیف عدالت منجر شده است (Jabban et al, 2024B : 111). وجود ساختار مناسب در دادرسی کیفری موجب ایجاد تعادل بین حقوق و آزادی‌های فردی و حق دولت در پاسخ دادن به افراد گناهکار می‌شود (Simonson, 2019: 249). از نظر تاریخی، تصمیمات دادستانی به دلیل وجود اصل تفکیک قوا در قانون اساسی مورد نظارت قضایی قرار نمی‌گرفت (El Zeidy, 2023: 195). امروزه با ظهور اهمیت نظام نظارت و توازن^۸ در عدالت کیفری، این ایراد برطرف می‌شود (Epps, 2021: 5). نظارت قضایی یکی از شیوه‌های ایجاد تعادل در آیین دادرسی کیفری است که عبارت از بررسی صحت همه اقدامات متخذ از سوی مقام‌های تعقیب و تحقیق به جهت جلوگیری از نقض حقوق و آزادی‌های افراد، قانونی بودن و عادلانه بودن اقدامات است (Jabban et al, 2024B : 88-96). به همین دلیل امروزه انواع مختلفی از نظارت قضایی بر اختیارات دادستان در قوانین داخلی

۱. ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران.

۲. ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری ایران.

۳. ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ایران.

۴. ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری سوریه.

۵. ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری سوریه.

۶. ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری سوریه.

۷. ماده ۱۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری سوریه.

وجود دارد (Stahn, Op.cit: 247) و شیوه‌های نظارت بر تعقیب و تحقیق در آیین دادرسی کیفری ایران و سوریه متنوع است (Jabban et al,2024B : 95-101).

نظارت قضایی معمولاً بر سه دسته از اقدام‌ها "حریم خصوصی، حقوق و آزادی‌های فردی و تایید اتهامات و ارسال به دادگاه" صورت می‌گیرد (یوسفی و یوسفی، ۲۰۱۴: ۳۰۱). در خصوص نظارت قضایی بر مرحله تحقیقات مقدماتی در خصوص اقدام‌های متعارض با حقوق و آزادی‌های فردی، دو مدل وجود دارد؛ مدل فاقد یا مانع نظارت قضایی مبتنی بر نداشتن نهاد یا افراد ناظر از ویژگی‌هایی است که قضات از آن برخوردار هستند و الگوی دارای نظارت قضایی یا دارای مانع است که مدل ایران مبتنی بر مدل فاقد نظارت قضایی است (یوسفی و یوسفی، ۲۰۱۴: ۴۱۱). می‌توان نیز به الگوی باز و الگوی بسته اشاره کرد؛ در الگوی باز، متولیان امر تعقیب و تحقیق، صلاحیت اتخاذ تصمیم‌های حاوی جنبه قضایی یا متعارض با حقوق و آزادی‌های فردی را دارا هستند، اما در الگوی بسته متولیان امر تعقیب و تحقیق چنین صلاحیت را ندارند (عدی و اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۵۱).

تضمینات اجرایی عبارتند از مجموعه‌ای از اقتضائات و پیش شرط‌های ضروری است که باید در قانون یا عملاً در حین نظارت قضایی از سوی متولیان نظارت قضایی بر امر تعقیب و تحقیق در نظر بگیرد و ضمانت اجرایی برای آن لحاظ کند. شایان ذکر است شرایط و اقتضائات نظارت بر امر تعقیب و تحقیق از سه جنبه قانونی (جان و دیگران «آ»، ۲۰۱۴: ۹۲)، قضایی (جان و دیگران «ب») و اجرایی قابل بحث و بررسی است. پژوهش حاضر تنها به اقتضائات و شرایط اجرایی راجع به نظارت بر امر تعقیب و تحقیق در ایران و سوریه می‌پردازد، اما بررسی اقتضائات و شرایط قانونی و قضایی نظارت بر تعقیب و تحقیق در این پژوهش مورد بحث قرار نمی‌گیرد. وقتی از تضمین‌ها سخن به میان می‌آید، این مطلب لزوماً به این معنی نیست که این تضمین‌ها در قانون نمود یافته باشد؛ بلکه هدف از رعایت این تضمین‌ها، ارتقا و تقویت نظارت بر تعقیب و تحقیق است. در سوریه و ایران، قوانین آیین دادرسی کیفری و نیز قوانین خاص دیگر، نسبت به مسأله نظارت قضایی بر ضابطان، دادیاران، بازپرسان، قضات تحقیق و دیگر متولیان مرحله پیش‌دادرسی کیفری با ایجاد نهادهای نظارتی مستقیم یا غیرمستقیم، مواضع متعددی اتخاذ نموده‌اند؛ لیکن یک پرسش اساسی طرح خواهد شد: تقویت تضمین‌های اجرایی نظارت پیش‌بینی شده در قانون اساسی و قوانین کیفری دیگر بر قرارهای مرحله پیش‌دادرسی کیفری متعارض با حقوق و آزادی‌های فردی، چگونه امکان پذیر است؟ قانون و کتاب‌های حقوقی تا حدی زیادی در این زمینه ساکت است و جرقة اصلی پژوهش از این مسأله آغاز می‌شود؛ لذا بهترین روش جهت بررسی موضوع، انتخاب روش تحقیق کیفی است؛ چون عمده ادبیات موجود در این زمینه صرفاً به تبیین مواد قانونی و شرح آن پرداخته است، اما آنچه در پشت پرده دادگاه‌ها صورت می‌گیرد؛ مغفول است؛ لذا به افراد متولی نظارت بر تصمیم‌های تعقیب و تحقیق در ایران و سوریه مراجعه شده است و مصاحبه‌های عمیق با آنها صورت گرفته است. پرسش‌های پژوهش از مصاحبه‌شوندگان حول محور چگونگی کاربست نظارت بر قرارهای متعارض حقوق و آزادی فردی در رویه عملی، ویژگی‌های نهاد نظارت‌کننده، نوع نظارت، تضمین‌ها و سازکارهای تقویتی نظارت، ارزیابی نظارت در رویه کنونی، چگونگی تقویت و اثر بخشی نظارت جهت تضمین حقوق و آزادی فردی صورت گرفته است که از بطن پاسخ‌های ارائه شده توسط مصاحبه‌شوندگان به پرسش‌های یاده شده، پرسش اساسی پژوهش طرح و مورد بررسی واقع شده است.

مصاحبه‌ها، ضبط و سپس روی فایل وورد طبق زبان هر یک از مصاحبه‌شوندگان پیاده‌سازی شده است. پس از اینکه تمام مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شده است، مطالعه و دقت در مصاحبه‌ها صورت گرفته است، سپس پژوهشگران با استفاده از کدگذاری و متناسب با موضوع پژوهش صورت گرفته است و متناسب با موضوع پژوهش مهم تضمین‌ها مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. در بیان داده‌ها و تحلیل آن به صورت دستی و از روش استقرائی استفاده شد؛ به عبارتی از کل به جزء رسیده شد و بر

اساس مصاحبه‌ها، داده‌های زیادی درخصوص نظارت قضایی به دست آمده است که به صورت بی‌طرفانه و با رعایت اخلاق و امانت علمی در پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. روش کیفی مبتنی بر مصاحبه بلندمدت است و جامعه نمونه در آن به‌جهت درک کامل‌تر، کوچک‌تر از جامعه نمونه در روش کمی است و آغاز آن با روش استقرایی یا قیاسی امکان‌پذیر است (Tartaro, 2021:4). یکی از امور قابل توجه درخصوص پژوهش کیفی، عدم امکان تعمیم یافته‌هاست؛ لذا از محدودیت‌های تحقیق کیفی از دید منتقدان، محدودیت‌های مربوط به تعمیم یافته‌ها، به دلیل کوچک بودن نمونه، نمونه‌گیری هدف‌دار، عدم امکان کنترل در مرحله جمع‌آوری داده، شخصی بودن تحلیل است (Mohajan, 2018:41)، اما می‌توان گفت در روش کیفی، متنوع بودن روش‌های دستیابی به داده‌ها، پژوهشگر را در رسیدن به کنه مطلب یاری می‌رساند (Polit & Beck, 2010:1452)؛ به همین دلیل جهت تحقیق همه‌جانبه روش تحقیق کیفی مناسب است. می‌توان این تضمینات را بر اساس داده‌های مستنبط از مصاحبه‌های عمیق (بازه زمانی مصاحبه‌ها در تیر ۱۴۰۲ تا فروردین ۱۴۰۳) و بررسی‌های انجام شده، به شرح زیر تبیین نمود.

۱. لزوم افزایش سازکارهای نظارتی بر جرایم مشهود در مقایسه با جرایم غیر مشهود

مسئله مرزبندی و افزایش سازکارهای نظارتی بر اطلاق وصف جرم مشهود از غیر مشهود حایز اهمیت است. اهمیت این مساله ناشی از اینکه در صورت تحقق جرایم مشهود صلاحیت‌های مقامات دادرسی را از جمله ضابطان افزایش می‌دهد، در نتیجه در صورت نبود نظارت مناسب، ممکن است، مقامات از اختیارات خود سوء استفاده کنند و اقدامات ناخوشایندی را به کار ببرند. در سوریه، وظایف ضابطان دادگستری در جرایم غیرمشهود شامل کشف جرم، دریافت گزارش‌ها و شکایت‌ها، گردآوری ادله و تنظیم گزارش است؛ در اصل آن‌ها صلاحیت انجام تحقیقات را ندارند، لیکن قانون‌گذار در سه حالت چنین قدرتی به آن‌ها داده است: ۱- در جرایم مشهود؛ ۲- در صورت رخ دادن جنایت یا جنحه داخل منزل و دعوت صاحب منزل از آن‌ها جهت انجام تحقیق؛ ۳- در صورت نیابت قضایی جهت انجام تحقیق از سوی مقام‌های صلاحیت‌دار (جوخدار، ۲۰۰۹: صص ۱۱-۱۸). در موارد یادشده، اختیارات ضابطان دادگستری توسعه پیدا می‌کند و آنان می‌توانند اقدامات تحقیقی را بدون نظارت کافی انجام دهند؛ به عبارت دیگر، ضابطان دادگستری هم ضابط و هم متولی امر تحقیق می‌شوند و می‌توانند اقدامات قهری - همچون دستگیری افراد، تفتیش و غیره را - که مستقیماً بر حقوق و آزادی‌های فردی تأثیر می‌گذارند، انجام دهند. مرجع نظارت بر ضابطان دادگستری، نهاد دادرسی است (ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری سوریه)؛ بر اساس ماده ۱۴ ق.آ.د.ک.س. همه ضابطان دادگستری از جمله قضات تحقیق تحت نظارت دادستان عمل می‌کنند. درست است که در قانون مرجع نظارت بر اعمال ضابطان دادگستری دادستان کل تعیین شده است، لیکن در عمل، نوع و قلمرو نظارت به‌عنوان لایه‌های پنهان نظارت موجود مشخص نیست. تشخیص قلمرو نظارت قاضی از لحاظ شرایط اقدام و محتوای نظارت، مسئله دشواری است (Bergère, 2019: 120). برخی از نیروها در ایران همانند کارکنان وزارت اطلاعات یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فاقد نظارت قضایی هستند یا کمتر نظارت می‌شوند (مؤذن‌زادگان و فرجی، ۱۳۹۵: ۴۹). از زمان انحلال پلیس قضایی و ادغام نیروهای انتظامی، نیروی ویژه‌ای تحت ریاست یا مدیریت قوه قضاییه وجود ندارد که این امر منجر به فقدان جایگاه ریاستی مقام قضایی یا شبه قضایی دادستان نسبت به ضابطان خاص شده است (پور ابراهیم و یزدان‌شناس، ۱۳۹۵: ۶۹). در عمل، در ایران نیز مسئله معکوس کردن نهاد نظارت‌کننده دیده می‌شود (نوری و آقایی، ۱۴۰۳: ۱۴۷)؛ به‌ویژه هنگامی که مأموران اطلاعاتی دارای نقش ضابط هستند (سمائی، ۱۳۹۷: آنالین)؛ به عبارت دیگر، برخلاف قانون جایگاه ناظر با نظارت‌شونده جا به جا شده و رابطه آنان معکوس می‌شود. قانون‌گذار ایران در ماده ۵۵ ق.آ.د.ک.ا. برخی

۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در انتهای مقاله ضمیمه شده است.

تضمینات را بیان کرده است؛ مثلاً ورود به منازل و اماکن تعطیل و تفتیش آن‌ها در جرایم مشهود و غیرمشهود نیاز به مجوز قضایی دارد (البته در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی معتقدند چنین اقداماتی در جرایم مشهود مطلقاً نیاز به مجوز قضایی ندارد)؛ اما بازرسی اشخاص و اشیاء، تنها در جرایم مشهود نیاز به مجوز موردی مقام قضایی ندارد و مواد ۵۸ و ۱۳۷ مؤید این نظر است (عابدی، ۱۴۰۱: ۲۵۵). مسئله دارای اهمیت این است که طبق ماده ۴۴ ق.آ.د.ک.ا.، اختیارات ضابطان دادگستری بر اساس مشهود یا غیرمشهود بودن جرم متفاوت خواهد بود؛ به گونه‌ای که در جرایم غیرمشهود، ضابط باید از دادستان جهت ادامه تحقیقات مجوز بگیرد؛ اما در جرایم مشهود، اختیارات وی در تحقیق گسترده است. از یک طرف، بر اساس ق.آ.د.ک.ا. مسائل مرتبط با تحقیق به خصوص مسئله تفتیش مسکن یا بازداشت افراد در صلاحیت مقام‌های متولی امر تحقیق از جمله بازپرس است؛ لیکن قانون‌گذار در مرحله تحقیقات اولیه عملاً با این مواد قانونی این اختیار را به دادستان واگذار کرده است. دادستان از طریق دستوراتی که به ضابطان دادگستری می‌دهد، می‌تواند حتی در جرایم غیرمشهود اختیار اقدامات قهرآمیز را به او بدهد. در این حالت، دادستان هم آمر و هم نظارت‌کننده است؛ اما ضابطان دادگستری فقط جنبه اجرایی می‌یابند. در ماده ۴۶ ق.آ.د.ک.ا. آمده است: «... ضابطان طبق دستور دادستان، تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند...». این قسمت از ماده، مؤید قدرت دستور دادن دادستان برای انجام امور تحقیقاتی است. موضوع دیگر ذیل مواد ۴۴ و ۴۶ ق.آ.د.ک.ا. پیش‌بینی شده است که بر اساس آن، در جرایم مشهود در صورت وجود قرائن و امارات قوی ضابطان می‌توانند افراد را بازداشت کنند؛ این قرائن و امارات قوی از نبود معیار مشخص برای توجیه آن رنج می‌برد (عظیمی و نظری‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۷۹). در نشست قضایی برگزار شده در شهر بردسیر استان کرمان در مورد این پرسش که: «اگر شخصی در ساعات غیر اداری با حضور در مرجع انتظامی به ارتکاب یکی از جرایم غیر قابل گذشت در سال‌های گذشته اعتراف نماید و مرجع انتظامی موضوع را به قاضی محترم کشیک اطلاع دهد، آیا قاضی محترم کشیک می‌تواند دستور تحت نظر قرار دادن او را صادر نماید یا این موضوع از مصادیق ارتکاب جرم مشهود در راستای ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری نمی‌باشد؟». هیئت عالی در نظری قابل تحسین این گونه بیان نمود که: «فرض مطروحه منصرف از بند ج ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است و وظیفه ضابطان صرفاً گزارش مراتب به قاضی ذریبط است و قاضی مربوطه (اعم از قاضی کشیک یا غیر آن) در صورت وجود دلایل و توجه اتهام با تفهیم اتهام و دلایل آن به متهم، می‌تواند مبادرت به صدور قرار تأمین کیفری مناسب کند و موجب قانونی جهت تحت نظر قرار دادن متهم (بدون صدور قرار تأمین) نمی‌باشد. بنابراین نظریه اقلیت قضات محترم در حدود فوق‌الذکر مورد تأیید است»!

بر طبق یک نظر، دو رویه درباره رسیدگی به پرونده وجود دارد؛ بر اساس این دیدگاه «رویه برخی از نواحی دادرهای تهران این است که با زدن مهر «عیناً جهت انجام تحقیقات مقدماتی به کلانتری مربوطه اعاده می‌شود»، قبل از انجام هرگونه اقدام تحقیقی پرونده را به کلانتری ارسال می‌کنند و برخی دیگر نیز شکواییه را به دادیاری یا بازپرسی ارجاع می‌نمایند و دادیار یا بازپرس دستورهای لازم را برای انجام تحقیقات به کلانتری صادر می‌کند که این رویه سازگاری بیشتری با مقررات قانونی دارد» (میرمحمدی، بی تا: آنلاین). در اینجا به نوعی صلاحیت مراجع انتظامی توسعه داده می‌شود؛ توسعه صلاحیت آن‌ها بدون تمایز بین جرم مشهود و غیرمشهود در رویه عملی مشکل ساز است. نکته دیگر، این مسئله کاملاً نشان می‌دهد که تعقیب و تحقیق در دست دادستان است. نمود عینی این امر، در دخالت در مسائل مخالف شرع و قانون در رویه عملی دیده می‌شود و این نیز

۱. جهت اطلاع بیشتر رک. به: نشست قضایی شماره ۱۳۹۹-۶۹۶۸، مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۲، برگزار شده در شهر بردسیر استان کرمان. قابل دسترسی در: <https://www.neshast.org/Home/GetPublicJSessionTranscript/d85f8a6a-febc-4af3-5cac-08d76cbef9bb>

موجب توسعه اختیارات ضابطان می‌شود. مثلاً در پرونده‌ای فردی به سبب نوازندگی با ساز گیتار در خیابان، متهم به ایجاد مزاحمت از طریق نوازندگی با ساز گیتار و تکدی‌گری، مقاومت در برابر مأمورین نیروی انتظامی و تظاهر به فعل حرام در انظار عمومی شده و دادیار دادرسی عمومی و انقلاب مشهد برای وی قرار منع تعقیب صادر نموده است.^۱ از این رأی می‌توان دریافت کرد که دخالت در جرایم مشهود، اگر توجیه کافی و تشخیص درست عناوین نداشته باشد، قابل قبول نیست؛ لذا جهت جلوگیری از اتهامات واهی باید این مسئله مورد عنایت نهادهای نظارتی بر دادرسی و ضابطان از سوی مقامات قضایی؛ قرار بگیرد (Jabban et al, 2024B:86-111).

در سوریه، طبق ماده ۴۶ ق.آ.د.ک.س. ضابطان دادگستری در حالت جرم مشهود و در صورتی که صاحب منزل از ایشان دعوت کند، ملزم به اتخاذ همه تصمیمات به نیابت از دادستان کل هستند و می‌توانند بدون مجوز تحقیقات و حتی تفتیش منازل انجام دهند. مثلاً قاضی تحقیق در رأی صادر شده در خصوص اتهام حواله‌جات مالی بین سوریه و خارج بدون مجوز، طبق قانون ۱۸ سال ۲۰۱۳ م. در تبیین وقایع پرونده نوشته است که: «خلاصه وقایع پرونده این است که در تاریخ ۲۰۲۰/۱۲/۲۱ و هنگام گشت گروهی از بخش امنیت جنایی حلب در کنترل کارهای حواله‌جات مالی به روش نامشروع و بر اساس اطلاعات وارده مبنی بر اینکه عده‌ای از اشخاص در حوزه حواله‌جات مالی کار می‌کنند، در محله حلب جدید، یوسف ... و عبد القادر دستگیر شدند. مبلغ دو میلیون و ششصد و هشتاد و پنج هزار لیر سوریه و مبلغ ۴ هزار و سیصد دلار آمریکا همراه آنان از داخل ماشین آنها ضبط شد و با تحقیقات اولیه از آنها، یوسف به کار توزیع حواله‌جات مالی در ازای منفعت مادی وارده از ترکیه با مشارکت زیاد در ترکیه ... اعتراف کرد»^۲. در نتیجه، بر اساس اعترافات یوسف به این جرم، پرونده و قرار قاضی احاله^۳ در تاریخ ۲۰۲۲/۸/۱۸ به دادگاه کیفری ارجاع شد. در اینجا می‌بینیم که تفتیش، دستگیری و تحقیق را ضابطان انجام داده‌اند. عملاً بدون تفاوت قائل شدن بین جرم مشهود و نامشهود، نظارت بیهوده خواهد بود. مثلاً در دادنامه دیگری از قاضی تحقیق آمده است که: «به دنبال شنیدن صدای تخریب (پتک زدن به دیوار) از بیمارستان العیون از سوی گشت پلیس محله باب‌النیرب که نزدیک به این مکان بود، مدعی‌علیهم در حین تخریب دیوارهای اتاق اشعه ایکس بیمارستان برای سرقت ورق‌های سرب موجود در دیوارها دستگیر

۱. شماره تصمیم نهایی: ۹۸۰۹۹۸۵۱۵۲۱۰۱۰۸۸، مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۴، شعبه دادرسی ۶۳۳ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد. استدلال‌های مهم دادیار این بود: «...هر رفتاری را نمی‌توان مشمول عناوین جزایی مزاحمت دانست ولو آنکه موجب رنجش خاطر کسی هم گردد؛ مگر آنکه با یکی از مصادیق مجرمانه قانونی مطابق داشته باشد. در حالی که رفتار متهم با اوصافی که در گزارش مرجع انتظامی آمده، فاقد عنصر قانونی در قوانین جزایی می‌باشد و شخص خاصی هم به‌عنوان شاکی خصوصی شکایتی از او نداشته است. لذا از این حیث اتهامی متوجه متهم نمی‌باشد. (دو) نظر به آنکه ضابطین دادگستری صرفاً در جرایم مشهود حق مداخله و جلوگیری از رفتار متهم را دارند، حال آن که مأمورین یادشده بدون توجیه کافی و بدون وجود شاکی خصوصی و بر اساس تشخیصی نادرست از عناوین مجرمانه، در حالی که متهم هیچ‌گونه وصف مجرمانه‌ای نداشته است، اقدام به دستگیری متهم یادشده نموده‌اند و او نیز صرفاً تلاش در جهت رهاسازی خود داشته، در حالی که بنا بر دفاعیات خود اعتقاد راسخ بر عدم مجرمانه بودن رفتارش داشته است و نوع رفتار او نیز با آن چه در گزارش کلانتری آمده است، مصداق مقاومت یا تمردی که در قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده نمی‌باشد (...). هر چند ممکن است نواختن موسیقی از نظر شرعی در برخی موارد و با دارا بودن برخی شرایط، گناه تلقی گردد لیکن اولاً هر گناهی را نمی‌توان جرم دانست و ثانیاً ارتکاب هر گناهی لزوماً موجب جریحه‌دار شدن عفت عمومی نخواهد شد».

۲. دادنامه شماره ۱۲۲، اساس: ۱۳۷، مورخ ۲۰۲۲/۵/۸، دادنامه قاضی تحقیق دوم دادگستری حلب.

۳. در سوریه، تحقیق اصولاً در دو درجه صورت می‌گیرد: در درجه اول توسط «قاضی تحقیق» و در درجه دوم، توسط «قاضی احاله یا ارجاع‌کننده». در سوریه می‌توان سه وظیفه برای قاضی احاله بیان کرد؛ به‌عنوان درجه دوم استیناف تصمیم‌های قاضی تحقیق (بند «۲» ماده ۱۴۶ ق.آ.د.ک.س.)؛ مرجع تصمیم‌گیری در خصوص ارجاع پرونده به دادگاه جنایت (بند «۳» ماده ۱۴۹ ق.آ.د.ک.س.) و مرجع اعاده اعتبار بر اساس ماده ۴۲۶ ق.آ.د.ک.س. . اجتهاد قضایی دادگاه نقض شعبه احاله، وظیفه قاضی احاله را این‌گونه خلاصه کرد: «وظیفه قاضی احاله دقت‌سنجی واقعی پرونده است تا ببیند ادله موجود و ابرازشده نزد ایشان، برای اثبات اتهام کافی است یا خیر. وظیفه وی اثبات یقین مطلق نیست؛ چون این مسأله از وظایف دادگاه است». به‌رغم نظارت بر ضابطان دادگستری در سوریه از سوی دادستان کل، بر اساس ماده ۱۵۶ ق.آ.د.ک.س. قاضی احاله نیز نوعاً بر اقدام‌های آنان نظارت می‌کند.

شدند...^۱ در اینجا نیز ملاحظه می‌شود که جرم مشهود است، اما در هیچ جای رأی به این مسئله اشاره‌ای نشده است. این غفلت ناشی از نبود الزام قانونی به این مسئله است. حتی قاضی احاله نیز در رأی خود در این پرونده به این موضوع اهمیت نداده است.^۲

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده در سوریه، می‌توان گفت یک حالت بینابین دیده می‌شود و آن حالت «گزارش باز» است. مصاحبه‌شونده شماره ۸ «س»^۳ بیان کرد: «صرف باز کردن گزارش قوی‌تر از جرم مشهود. چون در جرم مشهود پلیس گزارش رو باز می‌کنه، مستقیماً در مدت ۲۴ ساعت اما باز کردن گزارش بر اساس شکایت به دادستان بر اساس ارجاع به ضابطان یا از طریق تماس تلفنی یا چیز دیگه. ما در مسئله باز کردن گزارش صلاحیت وسیعی داریم برای انجام تحقیقات؛ حتی اگر جرم نامشهود باشه». مصاحبه‌شونده ۵ «س» بیان کرد: «هنگام تحقیقات و گزارش باز و در جرم مشهود، اسم فرد، تحت‌نظره، بازداشت‌شده نیست. مدت تحت‌نظر برای ما باز است، ممکنه بگن گزارش‌ها برای ۶۰ روز باشه، ممکنه بیشتر از ۶۰ روز هم باشه و ما بیشتر هم داریم». مصاحبه‌شونده ۶ «س» بیان کرد: «اینجا اختلاف نظر بین من و همه قضات وجود داره. متن قانونی واضح و صریحه. اینکه صلاحیت‌های دادسرا تنها در جرم مشهود و جرایمی که داخل منزل واقع میشه، در صورتی که صاحب منزل او رو دعوت کنه، صلاحیت وی وسیع میشه. بیرون از این حالت، متن قانونی وجود نداره، لیکن متأسفانه در دادسرا رویه شکل گرفته که پس از ارتکاب جرم بعد از ۵ یا ۱۰ سال دستگیرش کردند، بر اساس قرار جلب سیار، بازداشتش می‌کنه. البته من هم این رویکرد رو اجرا می‌کنم؛ چون رویه این‌جوریه و نمی‌تونم شما از راه رویه خارج بشی. لیکن در حقیقت دادسرا خارج از جرم مشهود صلاحیت نداره. اما آن‌ها صلاحیت خود رو وسیع کردن حتی در حالت جرم غیرمشهود... متأسفانه در همه دادگستری‌ها جاری هست».

به نظر می‌رسد راه دور زدن مسئله نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق در سوریه و ایران، نبود سازکار نظارتی دقیق بر مسئله تشخیص جرم مشهود از غیرمشهود از سوی ضابطان است. به‌رغم اینکه ماده ۴۵ آیین دادرسی کیفری ایران^۴ و ماده ۲۸ آیین دادرسی کیفری سوریه^۵ مصادیق جرایم مشهود را بیان نموده است، اما این مصادیق تفسیرپذیر، غیر شفاف و موسّع‌اند. چنانچه ضابطان دادگستری به عنوان بازوی اجرایی نهاد دادسرا بخواهند اقدامات خود را توجیه کنند و صلاحیت‌های خود را افزایش

۱. دادنامه شماره ۲۱۷، اساس: ۲۰۱۹/۴۰۶، مورخ ۲۰۱۹/۹/۲۹، دادنامه قاضی تحقیق اول و مالی و اقتصادی دادگستری حلب.

۲. دادنامه شماره ۲۰۱۹/۲/۲۰۹، اساس: ۲۰۱۹/۲/۳۴۳، مورخ ۲۰۱۹/۱۰/۳، دادنامه قاضی احاله دوم دادگستری حلب.

۳. در راستای تشخیص و تمایز مصاحبه‌شوندگان برحسب کشور متبوع، به اختصار بعد از ذکر شماره مصاحبه‌شونده حرف «آ» به جای ایران و حرف «س» به جای سوریه استفاده می‌شود.

۴. بر اساس ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران سال ۱۳۹۲ جرم در موارد زیر مشهود است: الف) در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند. ب) بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند. پ) بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد. ت) متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود. ث- جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند. ج) متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد. چ) متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد. تبصره ۱. چنانچه جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند. تبصره ۲. ولگرد کسی است که مسکن و مأواى مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد.

۵. طبق ماده ۲۸ آیین دادرسی کیفری سوریه جرم مشهود:^۱ «جرم مشهود جرمی است که در حین ارتکاب یا پس از اتمام ارتکاب آن مشاهده می‌شود. ۲. همچنین شامل جرایمی است که مرتکبین آنها بر اساس فریاد مردم دستگیر می‌شوند یا ظرف بیست و چهار ساعت پس از وقوع جرم، اشیاء، اسلحه یا اوراقی نزد آنها کشف شود که حاکی از این باشد که مرتکب جرم‌اند».

دهند، می‌توانند به صرف اطلاق جرم مشهود، در گزارش خود، اقدامات تحقیقی قابل توجهی را انجام دهند و عملاً خود را از مسئله نظارت قضایی پیشینی دور نگه‌دارند؛ لذا باید مرز دقیق جرم مشهود و غیرمشهود همراه با فراهم‌سازی تضمینات قانونی، تضمینات اجرایی و قضایی مشخص شود و نظارت مطلوب بر آن وجود داشته باشد.

۲. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین جهت افزایش دقت در نظارت

وجود داده‌های دقیق و قوی و به‌کارگیری فناوری در نظام عدالت کیفری، شفافیت، پاسخگویی و ارتقای سطح اعتماد مردم را به‌مراتب افزایش می‌دهد (Arnold, 2021: 23). همچنین داده‌های الکترونیکی به‌رغم داشتن برخی کاستی‌ها در راستای شفافیت و پاسخگویی به آن نیاز است (Hamann, 2023: 18). بر اساس داده‌های موجود، می‌توان کل فرآیند پرونده و اقدامات را مورد نظارت قرار داد. هرچه نهاد نظارت‌کننده در مورد هر تصمیم یا مسئله، داده بیشتری در اختیار داشته باشد، کیفیت و سطح نظارت بالاتر خواهد بود. مصاحبه‌شونده^{۱۳} «آ» بیان کرد: «الکترونیکی کردن دادرسی هم خیلی ممکنه مهم باشه. چون هر وقت برگه دست‌نویس باشه، من قاضی می‌تونم اون برگه رو عوض کنم. می‌تونم چیزی بهش اضافه کنم. می‌تونم کمش کنم. ولی وقتی الکترونیکی باشه نسخه الکترونیکی دیگه قابل دخل و تصرف نیست». علی‌رغم اهمیت و ضرورت نظارت الکترونیکی، کنار گذاشتن نظارت انسانی امکان‌پذیر نیست؛ این امر را می‌توان به‌عنوان راه حل افزایش میزان اعتماد به الگوریتم در دادرسی کیفری محسوب کرد (Koulu, 2020: 720-135). کمیسیون اروپا در سال ۲۰۱۹ م. در مورد ایجاد اعتماد به هوش مصنوعی انسان‌محور، نظارت انسانی را یکی از موارد تقویت اعتماد به هوش مصنوعی دانست (COM, E, 2019: 4). بنابراین، بهتر است جهت استفاده بهینه از مزایای نظارت الکترونیکی و نظارت انسانی به‌صورت توأمان استفاده نمود. مصاحبه‌شونده^{۱۱} «آ» بر اهمیت الکترونیکی‌سازی نظارت تأکید کرد: «اولین و مهمترین سازکار، الکترونیکی‌سازی نظارت هست... یکی از بهترین خاصیت‌های هوش مصنوعی نظارت کردنه؛ چون هوش مصنوعی با توجه به اینکه قابلیت‌های ذهن انسان رو داره، دقیقاً در پرونده‌هایی که باید نظارت کنه، داده‌ها در اختیارش قرار می‌گیره و به راحتی می‌تونه ارزیابی کنه که کجا مشکوکه و کجا مردود و کجا مطلوبه یا کجا مقبوله».

سوریه به خاطر نابسامانی‌هایی که اخیراً در آن رخ داد، از چرخه الکترونیکی‌سازی و استفاده از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای الکترونیکی پیشرفته محروم شد و هنوز نظارت کاغذی و سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که هنوز دوربین‌های لباس^۱ نزد پلیس و ضابطان دادگستری دیده نمی‌شود. مصاحبه‌شونده^۱ «س» بیان نمود: «چالش اصلی ما اینه که به امکانات مناسب این عصر نیاز داریم از قبیل امکانات تکنولوژی و غیره و ما از اینا نداریم». و مصاحبه‌شونده^۳ «س» بیان کرد: «ما وسایل و امکانات نوین کشف جرم نداریم. در کل عمرم نشنیدم در سوریه سارق یا مجرمی رو از طریق اثر انگشت یا دی.ان.ای. دستگیر کرده باشن، چنین چیزی وجود نداره».

در ایران امروزه تمایل به الکترونیکی‌سازی نظارت اهمیت یافته است؛ می‌توان اهمیت یافتن چنین مسئله‌ای را در قوه قضاییه خصوصاً در سال ۱۴۰۲ ه.ش. شاهد بود^۲. نکته جالب اینکه می‌توان از ثبت و ضبط جلسات رسیدگی جهت نظارت در تمام مراحل دادرسی نیز استفاده کرد. مثلاً در ماده ۵ بند ۳ از سند امنیت قضایی مصوب سال ۱۳۹۹ ه.ش. قوه قضاییه، جهت تقویت

۱. Body Worn Cameras (BWCs)

۲. سامانه ساما، سما، ثنا، سجام، سجا و سنم از سامانه‌های الکترونیک قوه قضاییه ایران هستند که در راستای تحقق عدالت راه اندازی شده‌اند.

۳. بخشنامه رئیس قوه قضاییه در خصوص سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۱۶.

شفافیت بر ثبت و ضبط جلسات رسیدگی تأکید کرده است.^۱ به نظر می‌رسد بهتر است تمام فرآیند تعقیب و تحقیق متخذ از مقامات قضایی «دادیاران، بازپرسان و...» به صورت الزامی ثبت و ضبط شود تا نهاد نظارتی به‌خوبی بتواند بر آن نظارت کند. مصاحبه‌شونده^{۱۲} «آ» در این زمینه بیان نمود: «از نظارت‌های پسینی که الان انجام میشه از سوی ارزشیابی قضات و دادستانی کل کشور، حالا تقریباً یک‌ساله که به صورت الکترونیکی این قضیه انجام میشه، درمورد متهم‌هایی که بازداشت شدن و دوباره در روند رسیدگی دادسرا قرار منع تعقیب صادر شده یا پرونده رفته دادگاه، دادگاه برائت صادر کرده. وقتی همچین قضایی حاکم هست، قضات در واقع در بازداشت‌های خودشون در واقع کنترل می‌کنن و افرادی که می‌دونن در آینده ممکنه برائت بخورن یا منع تعقیب صادر میشه اصلاً دیگه بازداشت نمی‌کنن. علاوه بر این نظارت، نظارت الکترونیک هست به صورت کلی نگاه می‌کنن تو سامانه، پرونده‌هایی که منتهی به زندان شدن رو می‌خوان».

وفق ماده ۱۵ دستورالعمل نحوه اعمال ریاست و نظارت مقام‌های قضایی بر ضابطان دادگستری مصوب ۱۶ خرداد ۱۴۰۲ رئیس قوه قضاییه کلیه ضابطان مکلف‌اند؛ توسعه و روزآمد نمودن سامانه‌های خود به انجام رسانند.^۲ مصاحبه‌شونده^{۱۵} «آ» بیان نمود: «توی نظام سی.ام.اس. یا سمپ^۳ که قضات با آن کار می‌کنن، خود این نظارت الکترونیکی اگه تقویت بشه بسیار مؤثره». در خصوص دوربین‌های روی لباس مأمورین، فرمانده کل انتظامی کشور سردار احمدرضا رادان در ۱۵ مرداد ۱۴۰۲ اظهار داشت: «در حال حاضر ۲۰ هزار دوربین روی پیراهن مأموران نصب شده است که ۱۲ هزار مورد آن، آفلاین و ۸ هزار مورد آنلاین هستند و خصوصیت آنلاین این است که فرمانده میدان می‌تواند از مرکز کنترل با فرد در ارتباط باشد و نفر را هدایت کند. ۱۲ هزار دوربین گفته‌شده فعال هستند اما ارتباط مستقیم نفر به نفر نیست و فرد فیلم را ضبط می‌کنند. در برنامه ما این است که اگر اعتبارات داده شود، تا پایان سال ۸ هزار دوربین دیگر نیز نصب شوند. ۲۸ هزار دوربین البسه، کفایت مأموریت‌های ما را ندارد و باید ۸۰ هزار دوربین البسه تهیه شود» (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۲). نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی در آبان ۱۴۰۲، در جریان بررسی گزارش کمیسیون تلفیق درباره لایحه برنامه هفتم توسعه، با الحاق یک بند به ماده ۱۰۳ این لایحه موافقت کردند. طبق بند الحاقی^۴ در قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳ هـ.ش، انجام عملیات ها

۱. «... ب) صدا و تصویر جلسات رسیدگی به تشخیص دادگاه یا در صورت درخواست شاکی یا طرفین دعوی به‌طور کامل ضبط و در سوابق پرونده نگهداری شود. در صورت مخالفت با این درخواست، دادگاه به‌نحو مستدل آن را رد می‌کند. علاوه بر این، قضات می‌توانند از مرور محتوای ضبط‌شده در صدور رأی استفاده کنند. در فرایند دادرسی، دادستان، طرفین دعوا یا وکلای آن‌ها، می‌توانند تحت نظارت مراجع قضایی محتوای ضبط‌شده را به‌عنوان مدرک مورد ملاحظه و استناد قرار گیرد».
۲. «کلیه ضابطان مکلف‌اند در راستای ماده ۶۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و مفاد این دستورالعمل به‌منظور تسریع در ارسال گزارش‌ها، مکاتبات، دستورهای قضایی و نتایج آن و تبادل اطلاعات در پرونده، اقدامات لازم جهت ایجاد، توسعه و روزآمد نمودن سامانه‌های خود به انجام رسانند، به‌نحوی که فرایندهای مذکور در این ماده به‌صورت ارتباط الکترونیک برخط با سامانه‌های قضایی در بستر شبکه ملی عدالت به عمل آید».
۳. در بند ۳ ماده ۱ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۲۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، سمپ تعریف شده است: «اختصار عبارت سامانه مدیریت پرونده قضایی می‌باشد و سامانه‌ای الکترونیکی است برای مدیریت فرایندهای تحقیق و رسیدگی و اجرای احکام مربوط به پرونده‌های قضایی که مرکز آن را طراحی و راه‌اندازی کرده است». در همین ماده درمورد سخا آمده است: «اختصار عبارت سامانه خدمات الکترونیک قضایی می‌باشد و سامانه‌ای الکترونیکی است که بر بستر شبکه قابل دسترسی و استفاده برای طرفین دعوا، نماینده قانونی آنان، دفاتر خدمات قضایی، کارشناسان یا ضابطان قضایی جهت مدیریت و اجرای انواع خدمات قضایی از قبیل طرح شکایت یا دعوا، اعلام جرم، ارسال لوایح، ابلاغ اخطاریه و احضاریه است و مرکز آن را طراحی و راه‌اندازی کرده است».
۴. بند ۴ ماده ۱۰۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳ هـ.ش «۱- به‌منظور ارتقای نظم و امنیت عمومی، حمایت پایدار و مؤثر از عملکرد ضابطان و افزایش ضریب اطمینان به گزارش‌ها و پیشگیری از تخلفات احتمالی، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه با تأمین اعتبار از سوی دولت، نسبت به ثبت داده مکانی و تصویربرداری از محل انجام عملیات‌ها اعم از بازرسی، ورود، معاینه محل، بررسی صحنه جرم، دستگیری و نگهداری متهمان و مجرمان، کشف آلات جرم و توقیف و نگهداری اشیای مکشوفه با رعایت حریم خصوصی، حقوق شهروندی و به استثنای جرایم منافی عفت از طریق دوربین‌های نصب‌شده روی لباس ضابطان، خودروها و اماکن مربوط با حفظ محرمانگی اطلاعات دوربین‌ها اقدام کند و ضمن نظارت و پایش مستمر نسبت به

از سوی ضابطان، از طریق دوربین ثبت و ضبط شود. اما پس از این مصوبه خبری منتشر شد مبنی بر اینکه: «در پی مصوبه مجلس برای نصب دوربین روی لباس مأموران پلیس، فرمانده نیروی انتظامی ایران می‌گوید برای اجرای این مصوبه به حداقل ۱۵۰ هزار دوربین البسه نیاز است که به گفته او بودجه این دوربین‌ها هم باید در نظر گرفته شود. احمدرضا رادان گفتند که در حال حاضر حدود ۲۰ هزار دوربین البسه داریم که از این تعداد، ۱۰۰۰۰ مورد آن، آنلین و ۱۲ هزار مورد آن آفلاین است» (روزنامه توسعه ایرانی، ۱۴۰۲). نکته اول درخصوص این خبر این است که صرفاً الزام به نصب دوربین یا در نظر گرفتن ضرورت آن، کفایت نمی‌کند؛ بلکه توجه به بودجه آن نیز لازم است؛ به گونه‌ای که بحث بودجه همواره به‌عنوان بهانه عدم اجرای این مسئله مطرح بوده است. ثانیاً ۲۰ هزار دوربین یعنی هنوز فقط ۷,۵ درصد مورد استفاده قرار گرفته است و ما به ۹۲,۵ درصد دیگر دوربین‌های لباس نیاز داریم. ثالثاً ضابطان، تنها نیروی انتظامی نیستند و باید مسئله دوربین لباس به همه ضابطان تعمیم داده شود. رابعاً مرکز نظارت بر خود این نظام ضبط باید به صورت مستقیم مقام قضایی باشد؛ به گونه‌ای که حذف یا دستکاری در این دستگاه‌ها از سوی خود ضابطان وجود نداشته باشد. چه بسا خود ضابطین قسمت‌هایی از فیلم‌های مورد پسندشان را باقی بگذارند و قسمتی را حذف یا دستکاری کنند. لذا جهت جلوگیری از این اقدامات، مرکز کنترل چنین نظامی به لحاظ روشن و خاموش کردن دوربین‌ها، باید خارج از نظام ضابطان باشد و دست مقام قضایی ناظر باشد. نکته پنجم اینکه، دوربین‌های آفلاین در رویه عملی اماکن سوءاستفاده را ایجاد می‌کند؛ به عبارتی خود مأمور می‌تواند صحنه را ضبط نکند، اما اگر هر مأمور، ملزم به روشن کردن دوربین خود باشد و اصل بر عدم اعتبار گزارش‌هایی قرار گیرد که همه موارد را از طریق دوربین‌های لباس ضبط نکرده است، آن‌گاه چنین دوربین‌هایی آثار مثبت زیادی را به همراه خواهد داشت؛ از جمله این آثار، نظارت همزمان با انجام اقدام است. به‌کارگیری دوربین‌های لباس، ضابطان را به رعایت مقررات قانونی مجاب می‌کند، دخل و تصورات ذهنی را از گزارش‌ها دور می‌کند و قضات را به اقناع وجدانی می‌رساند؛ به گونه‌ای که ابهامات را مرتفع و تصویر دقیقی را برای نهاد نظارت‌کننده ارائه می‌دهد (صالحی، ۱۳۹۹: ۱۴). به‌عنوان مثال، در دادنامه صادرشده از دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه نظر دادرسی نوجوانان تهران مبنی بر اتهام ترمذ نسبت به مأموران در حین انجام وظیفه را رد نمود؛ چون فیلم دوربین خودروی گشت ارشاد را جهت ملاحظه و بررسی قضایی ارائه ننموده‌اند. در سند تحول و تعالی قوه قضاییه مصوب سال ۱۴۰۳ ه.ش. به چالش "محدود کردن سلیقه‌ای برخی از آزادی‌های مشروع" ناشی از عامل "تضییع حقوق برخی از متهمان" اشاره شده است و در راهبرد "پیشگیری از تخلف ضابطان" بر این راهکار تأکید گردیده است که: «پیشگیری برای ثبت داده مکانی و تصویربرداری از محل انجام عملیات ضابطان اعم از بازرسی، ورود، معاینه محل، بررسی صحنه جرم، دستگیری و نگهداری متهمان و مجرمان، توقیف و نگهداری اشیاء مکشوفه با رعایت حریم خصوصی به استثناء جرائم منافی عفت از طریق دوربین‌های نصب شده روی لباس ضابطان، خودروها

صحت عملکرد تجهیزات و حفظ محتوای ضبط‌شده حداقل تا مدت شش‌ماه امکان دسترسی مقام قضایی به داده‌های مذکور را به‌عنوان پیوست پرونده فراهم آورد. وزارت کشور و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف‌اند گزارش عملکرد این بند را هر شش‌ماه یکبار به کمیسیون داخلی و امور شوراها مجلس ارسال نمایند»

۱. شماره دادنامه: ۱۴۰۱۱۶۸۳۹۰۰۷۹۲۸۶۳۷، مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۲، شعبه ۴ دادگاه اطفال و نوجوانان مجتمع قضایی شهید فهمیده تهران (۱۱۸۸ جزایی سابق). با این استدلال رد نمود: «هیچ دلیلی بر ترمذ متهم نسبت به مأموران، ارائه و کشف نشده و متهم نیز منکر ترمذ نسبت به ضابطان است. گزارش و تحقیقات ضابطان در مورد افراد زیر ۱۸ سال نیز بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۸۵ از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ فاقد اعتبار است و نمی‌تواند مستند تصمیم دادگاه اطفال و نوجوانان علیه نامبرده قرار گیرد؛ خصوصاً با توجه به اینکه مأمورین گزارش‌دهنده به‌رغم چندبار احضار از طرف بازپرس محترم دادرسی نوجوانان، در دادسرا حاضر نشده و فیلم دوربین خودروی گشت ارشاد را جهت ملاحظه و بررسی قضایی ارائه ننموده‌اند. بنابراین ارتکاب جرم ترمذ برای این دادگاه محرز نبوده و با استناد به ماده ۴ از قانون آیین دادرسی کیفری و اصل متعالی براءت، حکم بر براءت متهم نوجوان صادر و اعلام می‌گردد».

و اماکن مربوط با حفظ محرمانگی اطلاعات دوربین‌ها (دادستانی کل کشور، دفتر بازرسی ویژه و حقوق شهروندی، دادگستری استانها- میان مدت)»^۱.

به‌طور کلی از داده‌های مستخرج از فناوری‌های نوین، می‌توان ادله دیجیتال را جهت اثبات نوع رفتار به دست آورد (جان، ۱۴۰۲: ۱۰۰-۸۷) که نهاد نظارتی یا بررسی‌کننده، بر اساس آن پرونده را بسنجد و تصمیم دقیق بگیرد. برخی نیز از افزایش شیوع نظارت ویدیویی بحث کردند (کوسن، ۱۳۸۴: ۳۲۶) و برخی دیگر نظارت ویدیویی را ناقض حریم خصوصی دانسته‌اند (Collet, 2021: 1099). به هر حال، نظارت با دوربین موجب افزایش میزان شفافیت، پاسخگویی و استحکام ادله می‌شود؛ لیکن ممکن است معایبی از قبیل هزینه بالا و تهدید حریم خصوصی افراد مطرح شود (Birds, William 2012). در پرونده‌ای، فردی که با رقص خیابانی به دنبال نشاط و شادی مردم در دوره قرنطینه کرونا بود، با گزارش دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر، متهم به «ارتکاب عملی که موجب جریحه‌دار شدن عفت عمومی» شده بود. دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شماره ۲ شهرستان اهواز، با پیگیری از پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا یک فیلم در قالب لوح فشرده همراه با گزارش آن‌ها را کسب و فرد متهم را نیز احضار کرد. با بررسی فیلم مزبور، دادگاه متهم را تبرئه نمود^۲.

مصاحبه‌شونده^{۱۲} (آ) در این خصوص به یک خلأ جدی در قانون اشاره کرد: «ضابطین الآن مجهز به دوربین‌های لباس هستند، در مواردی که می‌خوان بر خورد کنن، موظفن که دوربین‌های لباسشون رو فعال کنن. دادستان در راستای نظارت خودش بر ضابطین، این فیلم رو می‌گیره، فیلم کلانتری، فیلم خود بازداشت‌های کلانتری‌ها و خود محوطه‌اش. اکثر ضابطان این دوربین رو دارن، ولی دوربین‌شون خاموشه. فعلاً توی قانون ما قانون‌های فعلی هیچ مسئولیتی در خصوص خاموش کردن نداره. اگر ضابط بخواد خیلی سوءاستفاده کنه، اون موقعی که داره رفتار غیرقانونی انجام میده، می‌تونه دوربینش رو خاموش کنه، باز اون دوربین هم دست خود ضابطه».

در نتیجه می‌توان گفت فناوری در خدمت عدالت است و فناوری‌های عدالت باید به تمام عرصه‌های دادرسی کیفری در ایران و سوریه برسد تا نهاد نظارت‌کننده و نظارت‌شونده از قلمرو و اختیارات خود خارج نشوند و آسیبی به اطراف پرونده نرسانند. به همین دلیل می‌توان نظارت مبتنی بر فناوری‌های نوین را در خدمت عدالت و به‌عنوان یک از تضمینات تقویت نظارت در نظر گرفت.

۳. اعمال ضمانت اجرا در قبال تخلف نهاد ناظر و نظارت‌شونده

همواره باید به آن توجه کرد که بین بطلان قضایی^۳ و بطلان اجرایی^۴ تفاوت است؛ منظور از بطلان اجرایی، عدم اجرای تصمیم در حین اجرا یا کوتاهی در اجرا است. به همین دلیل همکاری میان نهاد ناظر و نظارت‌شونده از تنش‌ها جلوگیری می‌کند. مصاحبه‌شونده^{۱۴} (آ) به مسئله مهم تفاوت بین وجود ظرفیت و اجرا یا عدم اجرای آن اشاره کرد که گاه افراد ظرفیت دارند اما مکان مسئله عدم اجرای ظرفیت مسئله‌ای دیگری است: «بین اینکه در عمل چه اتفاقی می‌فته و یا اینکه چه ظرفیت‌هایی وجود داره

۱. سند تحول و تعالی قوه قضاییه مصوب ۱۴۰۳، مصوب ۱۴۰۳/۱/۶ رئیس قوه قضاییه.

۲. شماره دادنامه: ۹۹۰۹۹۷۶۹۹۲۹۰۰۹۳۴، مورخ ۱۳۹۹/۸/۲۸، دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شماره دو شهرستان اهواز. با این استدلال تبرئه نمود: «... دادگاه با تدقیق در جامع اوراق و محتویات پرونده و با مشاهده فیلم ارائه‌شده و مضبوط در پرونده، نظر به این که با سیر در قوانین و مقررات جاری در نظام کشور برای رفتار ارتكابی توسط متهم عنوان مجرمانه‌ای مشاهده نمود...»

۳. Judicial Exclusions

۴. Executive Exclusion

دو تا مسئله هست خب. یه جایی ما می‌گیم ظرفیتش وجود داره. خب، یه جایی اینکه در عمل آیا اتفاق میفته یا نمیفته، الزاماً اینجوری نیست که همه انجام بدن. نُخب هرکی یه رویه داره».

اختیارات دادسرا در ایران و سوریه درخصوص آغاز تعقیب یا اتخاذ اقدامات تحقیقی وسیع است؛ وسیع بودن قلمرو اختیارات، سامان‌دهی آن را ضروری می‌سازد. مسئله اصلی این است که در صورتی که نهاد ناظر یا نظارت‌شونده از اختیارات یا الزامات قانونی فراتر برود، چه ضمانت‌اجرایی لازم است. ذهن حقوق‌دانان همواره به سمت مجازات فرد متخلف اعم از کیفری، اداری و مدنی می‌رود؛ به‌عنوان مثال مصاحبه‌شونده^{۱۹} «آ» به ضرورت تناسب بین تخلف و ضمانت‌اجرا اشاره می‌کند؛ به‌گونه‌ای که باید هزینه تخلف برای قاضی به مراتب بیشتر از منافع آن باشد: «اول باید مقدمات نظارت فراهم باشه. باید شأن قضایی برای قضات به حد اکثر برسه که بعداً اگر قرار باشه ضمانت‌اجرا اعمال بکنه، این ضمانت‌اجرا بیارزه. اون نظریه هزینه-فایده که می‌گه هزینه بیشتر از فایده باشه در ارتکاب تخلفات باشه». لیکن باید فراتر به این مسئله فکر کرد که سرنوشت خود اقدامات دادرسی چه خواهد بود؛ آیا می‌توان به این اقدام استناد کرد یا خیر. ارتباط این مسئله با نظارت قضایی ناشی از آن است که این «مجازات اقداماتی»، وسیله یا ابزار نظارت قضایی بر اقدامات دادرسی کیفری قلمداد می‌شود و با توسل به آن دستگاه قضایی مشروع بودن اقدامات دادرسی را ارزیابی می‌کند (القاضی، ۲۰۰۸: ۱۲۰).

بطلان، از ابزارهای نظارت قضایی و به‌عنوان یکی از ضمانت‌آجراهایی است که منجر به از بین بردن آثار قانونی اقدامات می‌شود. در نتیجه، عدم مطابقت بین اقدامات در عمل و آنچه در قانون وجود دارد، ناشی از نبود یکی از ارکان بنیادین اقدامات از لحاظ شخص، سبب، محل یا شرایط شکلی دیگری است (عبد المنعم، ۱۹۹۹: ۲۲). بطلان زمانی واقع می‌شود که خطای شکلی یا قانونی در یکی از مراحل دادرسی واقع شود؛ به عبارتی، هر خطای شکلی و ماهوی را در بر می‌گیرد (احمد، ۲۰۱۲: ۱۱)، اما اینکه نقض کدام یک از قواعد دادرسی منجر به بطلان می‌شود، محل اختلاف است. طبق ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک. فرانسه، نقض قواعد دادرسی بنیادین از جمله حقوق دفاعی متهم منجر به بطلان است (همان، ۱۱). به‌طور کلی دو رویکرد درخصوص بطلان مطرح است؛ یکی بطلان معین (قانونی) و دیگری، بطلان غیرمعین (ذاتی)؛ در مکتب نخست، قانون‌گذار موارد منجر به بطلان را باید به‌صورت دقیق معین کند و قاضی ملزم به رعایت موارد ذکر شده است و نمی‌تواند از بطلان چشم‌پوشی کند. اما در دومی، موارد بطلان به صلاح‌دید قاضی سپرده می‌شود و معیار کمک‌کننده در تشخیص اقدامات بنیادی و اقدامات غیربنیادی است (فوده، ۱۹۹۶: ۱۰۶-۱۰۷). در این راستا می‌توان به دادنامه‌ای اشاره نمود که طی آن، دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه الکفاله به دلیل قانونی نبودن این دستور از سوی معاون خود دادستان نقض گردید^۱.

به هر حال، قدرت مطلق مقام‌های دادسرا در تعارض با امکانات محدودی است که متهم برای درخواست پاسخگویی مقام‌های دادسرا در اختیار دارد. به لحاظ مسئولیت مدنی، در فرانسه مسئولیت دولت جایگزین مسئولیت مدنی قاضی شد؛ به‌گونه‌ای که مکانیسمی برای جایگزینی این مسئولیت باشد و دولت قبل از هر چیز در مورد اداره خود در برابر اصحاب دعوا

۱. شماره تصمیم نهایی: ۹۵۰۹۹۷۲۴۴۱۳۰۰۶۵۲، مورخ ۱۳۹۵/۳/۳۱، دادگاه کیفری دو شهرستان شهریار (۱۰۳ جزایی سابق). «... ثانیاً مطابق رأی وحدت رویه شماره ۶۷۹ مورخ ۸۴/۵/۱۸ و ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، اختیار صدور دستور ضبط وجه الوثیقه، وجه الکفاله و وجه الالتزام، قائم به شخص دادستان بوده و به دلیل اهمیت آن نیاز به اطلاع و نظارت شخص ایشان داشته و به لحاظ عدم کثرت آن در مقایسه با سایر امور دادسرا و برخلاف صراحت قانونی، قابل تفویض از ناحیه ایشان به شخص دیگری نمی‌باشد و رأی شماره ۳۶۴۸ / ۲ مورخ ۸۵/۱۰/۲۳ شعبه دوم تشخیص دیوان عالی کشور نیز مؤید این نظر می‌باشد. فلذا هرچند مطابق رأی وحدت رویه شماره ۶۵۷ مورخ ۸۰/۱۲/۱۴ (ردیف ۸۰/۲۴) هیئت عمومی دیوان عالی کشور، اجرای حکم نمی‌تواند دستور قانونی دادستان را در مورد وصول وجه الکفاله ابطال نموده و یا رافع مسئولیت کفیل باشد، لکن با عنایت به دلایل مزبور به نظر این دادگاه، صدور دستور اخذ وجه الکفاله مطابق مقررات قانونی صورت نگرفته و به استناد مستندات قانونی فوق‌الذکر و مواد ۲۳۰، ۲۳۱ و ۲۳۵ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و رأی وحدت رویه شماره ۶۹۴ مورخ ۸۵/۸/۹ ضمن پذیرش اعتراض، دستور معاون محترم دادستان شهریار مبنی بر اخذ وجه الکفاله را نقض می‌نماید»

پاسخگو باشد (Goré, 2007:3). در فرانسه طبق قانون سازمان‌دهی قضایی^۱ در اصل، دولت موظف است خسارات ناشی از عملکرد ناقص خدمات عمومی دادگستری را جبران کند؛ مگر اینکه خلاف این ذکر شده باشد و این مسئولیت را تنها به دلیل سهل‌انگاری فاحش یا انکار عدالت بر عهده دارد^۲. هرچند که این ماده مسئولیت دولت ناشی از رفتار قضات را مقرر نموده است، لیکن به همه موارد کوتاهی در اقدامات مثل تعقیب یا عدم تعقیب ناشی از تبانی یا سوءاستفاده اشاره نمی‌کند. تنها زمانی فرد شانس جبران خسارت را دارد که رابطه سببیت بین خطا و ضرر برای جبران خسارت در مسائل مدنی وجود داشته باشد. به علاوه، مسئولیت تقصیری ناشی از ضرر در این ماده مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین مشکل اصلی در این مسئله، اثبات آن است؛ چه بسا افراد قادر به اثبات تعلق یا انحراف نهاد ناظر یا نظارت‌شونده نباشند.

نهاد نظارت‌کننده ممکن است به بهانه انجام نظارت موجب اطاله دادرسی یا ایجاد انحراف در اتخاذ تصمیمات گردد. قانون آیین دادرسی کیفری ایران و سوریه درخصوص نظارت دادستان بر ضابطان دادگستری صراحت دارد، اما درخصوص انحراف یا سوءاستفاده از این اختیارات، ضمانت‌اجرای مناسب و کافی برای آن پیش‌بینی نشده است. بهتر است قانون‌گذار، شاخص‌های انجام نظارت را با بیان خطوط مناسب برای نظارت تعیین کند؛ به سانی که هر تعدی و تخطی از معیارهای معین، از پیش ضمانت‌اجرا داشته باشد. به نظر می‌رسد احراز صرف اهمال یا سوء نیت جهت محکوم کردن مقام متخلف کافی است. مصاحبه‌شونده^۴ «س» بیان کرد که: «دلیل غیرمشروع دلیل قابل استناد هست و کسی که خلاف انجام داد، شاید مجازات انتظامی برایش وجود داشته باشه. اما در مصر چیزی که مبتنی بر باطل هست باطله».

مصاحبه‌شونده^۹ «س» درخصوص ضرورت تعیین مدت آزاد کردن و ضمانت‌اجرای آن مثل مصر بیان کرد: «هیچ تضمین قانونی الزام‌آوری برای قاضی احاله جهت بررسی در مدت محدود وجود نداره. ممکنه پرونده به مدت یک یا دو سال معوق بمونه».

آیین دادرسی کیفری ایران بطلان را به رسمیت نشناخته است؛ بلکه به صورت موردی در سه موضع به عدم اعتبار ادله درخصوص شکنجه متهمان در حین بازجویی، مکتوب نکردن بازجویی به شکل صحیح و فقدان سمت قانونی پلیس (نداشتن کارت ویژه ضابطان) اشاره کرده است (مؤذن‌زادگان و سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۶۵). در رویه عملی نیز ممکن است جلوه‌هایی از بطلان را دید. در پرونده‌ای، مأموران انتظامی برای کشف مواد مخدر با اذن مقام قضایی به محل سکونت وارد شده و دستگاه ماهواره را مشاهده و ضبط کردند. دادگاه کیفری دو شهرستان قم این اقدام را فاقد وجهت دانست و برای فرد قرار موقوفی تعقیب صادر کرد^۳.

۱. Code de l'organisation judiciaire

۲. Code de l'organisation judiciaire, art L141, Modifié par LOI n°2016-1547 du 18 novembre 2016 - art. 1

۳. شماره دادنامه: ۹۶۰۹۹۷۲۵۱۰۳۰۲۵۱۱، مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۳، شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی دادگاههای کیفری شهرستان قم (۱۰۳ جزایی سابق): «مأموران انتظامی برای کشف مواد با اذن مقام قضایی به محل سکونت متهم وارد شده‌اند که یک دستگاه تجهیزات دریافت از ماهواره را نیز مشاهده کرده و آن را ضبط و مراتب را گزارش کرده‌اند. اینک، نظر به مراتب مذکور، نظر به اینکه به موجب مواد ۲ و ۷ قانون آیین دادرسی کیفری دادرسی کیفری باید مستند به قانون و با حفظ و رعایت حقوق شهروندی باشد و نظر به اینکه به موجب بند ۸ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، برای آلات و ادوات جرم نباید به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم ندارد تعرض شود، چنان که در بخشی از بند ۷ فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی در سال ۱۳۶۱ ه.ش. بیان شده که ... مؤکداً تذکر داده میشود که اگر ... به منزل شخصی یا محل کار وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشاء کنند؛ چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره است ... فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند ... بنابراین چون مأموران انتظامی برای کشف مواد مخدر به منزل متهم وارد شده‌اند، حق ضبط دستگاه تجهیزات دریافت از ماهواره را نداشته‌اند و با این وصف تعقیب متهم از این حیث صرف نظر از اتهام نگهداری مواد مخدر فاقد وجهت بوده و به استناد مواد ۳ و ۳۴۰ از قانون آیین دادرسی کیفری و ملاک بند ب ماده ۲۸۹ همین قانون قرار موقوفی تعقیب متهم صادر میگردد. این رأی به استناد بند الف ماده ۴۲۷ قانون مذکور قطعی است. دستگاه مذکور در اجرای ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی و تبصره ماده ۳ قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره، ضبط و در اختیار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد.»

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ «آ» خلاف رای پیشین، در مورد رویه عملی موجود در ایران بیان کرده است: «اگه مامور تخلف انجام داده به تخلف مامور رسیدگی می‌کنیم و به اون جرمی که اون طرف مقابل انجام داده یا مواد مخدري که پیدا کرده به اون هم رسیدگی می‌کنیم. دوتاش رو حالا درسته این تخلف کرده، ولی خب این باعث برائت اون یکی نمیشه». در سوریه، موارد بطلان در مواد متعددی آمده است؛ مثل ماده ۱۸۲، ۳۰۳، ۳۰۵، ۱۸۶، ۲۷۴، ۳۴۲، ۵۶، بند ۳ ماده ۶۹، ۷۰ و مواد دیگر اما قانون سوریه نیز از نبود نظریه مستقل در مورد بطلان رنج می‌برد (أحمد، پیشین: ۸۷-۸۹).

قانون‌گذار ایران در ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب سال ۱۳۹۰ ه.ش. مجازات‌های انتظامی را در سیزده درجه تعیین کرده است. قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ نیز تخلفات را مستوجب مجازات‌های مقرر در قوانین موضوعه دانسته است. اما در مسأله بطلان اقدامات خارج از روند قانونی، ورود جدی نکرده است. قانونگذار ایران و سوریه در خصوص نظارت دادستان بر ضابطان دادگستری تصریح کرده است، اما ضمانت اجرایی بطلان در صورت تعدی و تخطی مقام‌های تعقیب و تحقیق شبیه رویکرد موجود در فرانسه پیش‌بینی نکرده است. هرچند که قانونگذار ایران در برخی موارد مثل عدم اعتبار ادله ناشی از شکنجه، مکتوب نبودن بازجویی و نداشتن کارت ضابطیت^۲ بطلان مقرر کرده است، اما در تصمیم‌های بنیادین تعقیب و تحقیق همانند سوریه مورد اهتمام قرار نداده است. سوریه نیز همانند ایران برای تعدی و تخطی ضابطان مجازات انتظامی مقرر کرده است، اما برای خود اقدام ضمانت اجرای بطلان مقرر نکرده است. در نظر گرفتن بطلان به عنوان یکی از تضمین‌های اجرایی تقویت نظارت قضایی در سوریه و ایران منجر به از بین بردن آثار قانونی اقدام‌های نادرست می‌شود.

۴. برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر و ترویج فرهنگ نظارت‌پذیری

می‌توان این مطلب را با بیان رئیس قوه قضاییه در دیدار با قضات و کارکنان دستگاه قضایی استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۴۰۰ ه.ش. آغاز کرد: «نظارت به معنای مچ‌گیری نیست؛ اگر نظارت همراه با دلسوزی باشد، همراه با محبت باشد، صد درصد به نفع آن فرد یا دستگاهی است که ازش نظارت می‌شود. لذا بخش‌های نظارتی مان برید سرکشی کنید، دلسوزانه، خیرخواهانه با رفع مشکلات، نمی‌خواهیم مچ‌گیری کنیم، می‌خواهیم اصلاح کنیم» (خبرگزاری مشرق، ۱۴۰۰). جلسات رئیس قوه قضاییه، جنبه آموزشی و تأکید بر مسائل گریبان‌گیر دستگاه قضایی دارد. از بیانیات ایشان می‌توان دریافت که به صورت غیرمستقیم به برخی

۱. در مقدمه و بند ۱ قانون مزبور، بیان شده است که: «از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادرها و ضابطان قوه قضاییه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجرا کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد: ۱- کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت، باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلبات شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود». در بند ۹ این قانون نیز آمده است که: «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت». در بند ۱۰ نیز بیان شده است که: «تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد».

۲. طبق رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ - ۲۲/۰۳/۱۴۰۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ۱۴۰۳/۳/۲۲ ه.ش. «قانونگذار به موجب ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برای احراز عنوان ضابط دادگستری «وثاقت و مورد اعتماد بودن، فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی و تحصیل کارت ویژه ضابطان» را مقرر کرده است، اما با توجه به قسمت اخیر ماده قانونی یاد شده که بیان می‌دارد: «اقدامات و تحقیقات اشخاص فاقد کارت دارای اعتبار نمی‌باشد»، چنین مستفاد می‌گردد که داشتن کارت صرفاً برای اعتباربخشی به گزارش ضابطان بوده است و تخلف از این مقررات، وفق ماده ۶۳ همین قانون موجب خارج شدن آنان از مقام ضابط نمی‌شود. لذا چنانچه اشخاص مذکور در مقام ضابط دادگستری در ارتباط با جرائم مشهود یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی مرتکب جرمی شوند، رسیدگی به جرم ارتكابی برابر ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری و صلاحیت عام محاکم دادگستری، حسب مورد با دادگاه کیفری یا دادگاه بخش است».

مچ‌گیری‌ها در نظارت اشاره می‌کند و از طریق کد رفتاری، به ضرورت توجه به نظارت برای ارتقای کیفیت عدالت نه برای به چالش کشیدن افراد رهنمون می‌شود. این بیانات بر ضرورت اتخاذ نظارت جدی و باکیفیت از سوی نظارت‌کننده تأکید دارد. می‌توان از بیانات ایشان به ضرورت توجه به رویکرد حل مسئله در نظارت بیش از توجه به کشف و مجازات افراد خاطی پی برد. نظارت به‌مثابه ابزار حل مسئله است که با آموزش و ترویج فرهنگ پذیرش نظارت از سوی دو طرف این رابطه (نظارت‌کننده و نظارت‌شونده) حاصل می‌شود. هیچ تعارضی بین نظارت بر مقام‌های دادسرا و پاسخگویی آن‌ها وجود ندارد، ولی ممکن است برخی از سستی‌ها در این دو اصل به وجود بیاید (Corns, 2022: 4). بر این اساس، فرهنگ‌سازی و دقت در این مسئله هنگام آموزش دادن ضروری است. آموزش بنیادین قضات در دانشگاه‌ها، آموزش حرفه‌ای در مراکز و آموزشگاه‌های قضایی و همچنین دوره‌های آموزشی مستمر و مداوم ضروری است (سرور، ۲۰۰۰: ۶۴۵). بنابراین دوره‌های آموزشی می‌تواند پیش‌فرض‌ها و نگرش حاکم بر قاضی را تغییر بدهد. قاضی نیز خود برای کشف حقیقت باید بدانند در جایگاه بالاتر یا پایین‌تر از مقام نظارت‌کننده و نظارت‌شونده قرار ندارد. با آموزش، معیار موضوعی و نه شخصی در ارزیابی و کارایی اطراف نظارت حاکم می‌شود. مصاحبه‌شونده ۱۰ «س» بیان کردند که: «مشکل اصلی اینجا است که عادت‌هایی برای چند دهه و سال‌های زیاد و در فکر اشخاص ریشه‌دار دارد. آیا امکان تغییر آن وجود دارد؟ اگر من شخصی رو آوردم و ایشان رو جهت نظارت قرار دادم؟ آیا ایمان به نظارتی که انجام می‌دهد دارد؟ من با ایده نظارت پیشینی موافقم، اما در رویه عملی و اجرای عملی آن مشکلات زیادی خواهد داشت».

مصاحبه‌شونده ۱۱ «آ»، بر مسئله کد رفتاری و آموزش‌های مستمر به‌عنوان یکی از سازکارهای نظارتی تأکید نمود: «یکی از چیزهای که همیشه راجع به ضابطان دادگستری در نظر بگیریم، کدهای رفتاریه. کدهای رفتاری یعنی هم ماه به ماه به آن‌ها یادآوری می‌کنید. این کدهای رفتاری و مقرراتی این قدر یادآوری می‌شه که در ذهن دادیار و ضابط ملکه بشه».

از سازکارهای افزایش پذیرش، این است که برای افراد ناظر و نظارت‌شونده، فرهنگ پذیرش خطا را بالا ببریم. در اصل نظارت برای کشف خطاهای موجود و متعارض با حقوق و آزادی‌های افراد است؛ لذا چنانچه فرهنگ پذیرش خطا را نداشته باشیم، چه بسا حقوق افراد تضییع و منجر به محکومیت‌های نادرست شوند. مثلاً در پرونده‌ای که فرد متهم به شروع به سرقت کابل از یک شرکت بود، دادگاه کیفری دو به دلیل تعارض در اظهارات با گزارش اولیه مراجع انتظامی وی را تبرئه کرد^۱.

مصاحبه‌شونده ۱۳ «آ» نیز بیان نمود که: «یکی از مسائل مهمی که باید در نظر بگیریم، بحث آموزش به این کنشگرا هست؛ مخصوصاً دادیارها، بازپرس‌ها. نه آموزش قضایی، آموزش این حقوق و آزادی‌های فرد. به نظر من حتماً کسی که مقام تعقیبه، مقام تحقیقه، باید از این لحاظ به دوره حقوق بشری، به دوره حقوق آزادی‌های فردی، حقوق شهروندی...».

از مصاحبه‌های پیشین می‌توان کاملاً درک کرد که مقام‌های تعقیب و تحقیق در ایران و سوریه از کاستی در فرهنگ پذیرش نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق رنج می‌برد؛ لذا در حین اجرای نظارت قضایی در ایران و در سوریه ممکن است با فرهنگ سازمانی رایج در بین مقام‌های تعقیب و تحقیق مبتنی بر عدم پذیرش نظارت روبرو شود. به هر حال آموزش، نقش بسزایی در تقویت تضمین‌های اجرایی و تغییر فرهنگ سازمانی موجود در ایران و سوریه دارد و کسی نمی‌تواند نافی این مسأله باشد.

۵. حفظ استقلال نهاد متولی امر تحقیق از رابطه سلسله‌مراتبی و سیطره نهادی

۱. شماره دادنامه: ۹۹۰۹۹۷۶۱۷۰۶۰۷۱۱، مورخ ۱۳۹۹/۶/۲۴، شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان مسجد سلیمان (۱۰۱ جزایی سابق). مطابق این دادنامه: «حسب اظهارات مأمورین تنظیم‌کننده گزارش اولیه و نیز تصویر دفتر ورود و خروج مراجع انتظامی، زمان صحیح تنظیم گزارش و رها کردن موتور، مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۵ بوده و صورت جلسه اولیه سهواً به تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۱۵ تنظیم شده است».

رابرت بولد^۱ در کتاب مردی برای تمام فصول^۲ نوشته است: «در مورد توماس مور، قاضی و مشاوری که حاضر نمی‌شود جدایی و ازدواج مجدد پادشاه را تأیید کند، چون جدایی اقدامی علیه قوانین کلیساست. سپس صدراعظم هنری هشتم، پادشاه پرحاشیه انگلستان در سده شانزدهم که خواهان داشتن پسر و جانشین است، از کلیسای واتیکان تبعیت نمی‌کند و کلیسای مرکزی خود را تأسیس می‌کند و عنوان پاپ را نیز برای خود برمی‌گزیند تا همه را مجبور به اطاعت و پیروی از خود کند و به اقدامات خود، خصوصاً ازدواج مجدد رسمیت ببخشد. همه کار پادشاه را تأیید و برگه مربوطه را امضا می‌کنند؛ به جز توماس مور که تا پای مرگ بر ایده خود که پیروی از کلیسای واتیکان است، می‌ماند. این قاضی از سمت، خلع و سپس زندانی می‌شود. سیاست سکوت او که نه تأیید است و نه مخالفت، مؤثر واقع نمی‌شود و اطرافیان پادشاه برای اینکه خود را عزیز کنند، با دسیسه‌چینی او را در همان کلیسای خودساخته پادشاه به کام مرگ می‌رسانند. چون توماس مور حاضر نمی‌شود برخلاف عقیده‌اش که پای‌بندی به اصول کلیسای واتیکان است، رفتار کند» (بولت، ۱۳۹۵: ۱-۲۰۴). با امعان نظر به این داستان واقعی در انگلستان، اهمیت وجود استقلال در تصمیمات به دور از رابطه فرمان‌دهی و فرمان‌بری روشن می‌شود. مصاحبه‌شونده^{۱۶} «آ» بیان کرد: «به نظر می‌رسد یک راهی که بتونه اون نظارت قضایی رو کنترل کنه اینه که مقام تحقیق از سلسله‌مراتب اداری دادسرا خارج بشه. یعنی به‌عنوان یک راهکار. ببین تا وقتی که مقام تحقیق یا همون بازپرس ذیل یک مجموعه اداری دادسراست، بالاخره اون رابطه سلسله‌مراتبی وجود دارد و اون استقلال ممکنه مخدوش بشه. در رویه قضایی ممکنه دادستان، بازپرس یا درخواستی ازش بخواد و بازپرس حس کنه که نه این خیلی درخواست موجهی نیست و انجام نمیده. از فرداش با سیل ارجاع پرونده‌ها مواجه میشه. چون ارجاع پرونده خب با دادستانه، دادستان یک اهرم فشار داره، اگر بخواد می‌تونه پرونده‌های سنگین و به تعداد زیاد رو به یک بازپرس ارجاع بده. اون هم عملاً در کارش مختل میشه.... ارتقای بازپرس، مرخصی بازپرس، بررسی عملکردش، همه به نحوی اظهارنظرشون با دادستان است به مراجع بالاتر و این خب ممکنه بازپرس رو به این نتیجه برسونه که راه تعامل با دادستان بهتره تا راه تقابل». مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ نیز بیان کرد: «دادستان به ریاست و نظارتی بر کار بازپرس داره و اون ریاست اداری و حق نظارتی که تو پرونده‌ها داره، به‌نوعی اون استقلال بازپرس رو کم رنگ می‌کنه و معمولاً بازپرس‌ها از این حق خودشون برای اختلاف استفاده نمی‌کنند؛ معمولاً این‌گونه مرسوم هست. به قانون نانوشته‌ای هست دیگه، هرچند تو قانون اومده که بازپرس حق اختلاف داره با دادستان ولی خب در رویه عملی ممکنه این حرف اجرا نشه». حقوق‌دانی^۳ در یکی از گفتگوها بیان کرد: «بین بازپرس و دادیار تفاوت‌هایی وجود دارد؛ یعنی بر اساس قانون، بازپرس درمورد قرارهای نهایی و قرارهای تأمین تا اندازه‌ای از استقلال برخوردار است؛ اما هر نوع تصمیم دادیاران باید به تأیید دادستان برسد. بازپرس نیز از حیث نحوه و کامل بودن یا نبودن تحقیقات تابع نظر دادستان است» (میرحمادی، بی‌تا). یعنی اینجا تبعیت بازپرس از دادستان، نه تنها از حیث کامل یا ناقص بودن تحقیق است، بلکه در نحوه تحقیقات نیز باید تابع نظر دادستان باشد که این مسئله نیز خالی از اشکال نیست. در زیر پوست دستگاه‌های قضایی، اتفاقات و لایه‌های عمیقی وجود دارد که نشان می‌دهد چقدر تحت فشارهای متعدد قرار می‌گیرند، اما به سکوت ختم می‌شود. در این فضا، تعداد کمی «مردی برای تمام فصول» وجود دارد بلکه افرادی متناسب با هر فصل به چشم می‌خورد.

۱. Robert Bolt

۲. A Man for All Seasons

۳. مرحوم دکتر منصور رحمدل.

استقلال نهاد متولّی نظارت، از سیطره نهادی و فشارهای متنوع در عصر امروزین حمایت می‌کند. به‌رغم وابستگی دادسرا در برخی از نظام‌های حقوقی به قوه مجریه، الزامی بودن تحقیق در جرایم جنایی و شکایت نهاد‌های مردمی به‌نوعی منجر به ایجاد توازن قدرت شد (Jocelyne, 2010:322-324). نهاد‌های متولّی امر تعقیب و تحقیق نباید تحت تأثیر متغیرهای فرافانونی از جمله تسخیر نهادی، عوام‌گرایی، رسانه‌های جمعی و گرایش‌های درونی از قبیل احساسات، عواطف (Hueston & Hutchins, 2018:96)، تعلق به نژاد و مذهب به یک سمت و سو پیدا کنند. علاوه بر این باید متغیرهای قانونی همچون سلسله‌مراتب و تسخیر نهادی، جلوگیری شود. استقلال نهاد متولّی امر تعقیب و تحقیق در اجرای مسائل سپرده به آن‌ها از جمله نظارت قضایی، با حفظ استقلال درون و برون‌نهادی نقش مهمی ایفا می‌کند. مصاحبه‌شونده ۱۰ «س» بیان کرد: «یاده اصلی نظارت رو ما همیشه تأیید می‌کنیم به خصوص بر قضات. اما ما دو مانع پیش رو داریم. یکی، تعداد قضات. دوم، مشکل در خود شخص؛ به عبارتی ما نیاز به کادر قضایی از جمله امکانات مادی داریم و باید شخصیت قاضی رو بپروانیم تا علم قضایی داشته باشه و شخصی رو بسازیم که قدرت و جرأت اجرای قانون را داشته باشه». اجرای عدالت بهتر^۲ اقتضا می‌کند در ساختار قضایی، پروسه انتخاب قضات و دادستان‌ها و کارهای روزمره آن‌ها از نفوذ سیاسی دور باشد (Torny, 2020:189). مصاحبه‌شونده ۱، ۲ و ۷ «س» خیلی بر مساله استقلال قضایی نیز تأکید نمود. در بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر شده است که شخص دستگیر شده «فوراً نزد یک قاضی یا مقام دیگری که قانوناً مجاز به انجام وظایف قضایی است» آورده شود. این بند طبق آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر مستلزم آن است که قاضی در قانون و عملکرد از استقلال و بی‌طرفی برخوردار باشد^۳. لذا دادسرای وابسته به قوه مجریه و تابع سلسله‌مراتب این ویژگی را ندارد که افراد را دستگیر کند. قلمرو این ماده، قلمرو محدودی است و تنها شامل محرومیت از آزادی می‌گردد. فرانسه جهت حفظ استقلال قاضی آزادی و بازداشت از سلسله‌مراتب مقام‌های مافوق خود، در سال ۲۰۱۶ م. بر اساس قانون اساسی، او را قاضی متخصص^۴ دارای استقلال همانند قضات دیگر، قلمداد کرد^۵. الیزابت گیگو^۶، وزیر دادگستری وقت، در ژوئن ۱۹۹۹ م. در بخشی از خطاب خود به مجلس سنا گفت: «می‌خواهم این را کاملاً روشن بگویم که من قاضی مستقلی را که ادله له و علیه متهم را تفحص و بررسی می‌کند، بر نظامی که افسران پلیس بخش بزرگی از تحقیقات را بدون هیچ‌گونه نظارت قضایی انجام دهند، ترجیح می‌دهم» (Hodgson, 2002:231). رئیس جمهور فرانسه، ایمانوئل ماکرون بر مسئله «احیای پیمان مدنی میان ملت و عدالت»^۷ به‌عنوان راهکار استقلال دادسرا و افزایش میزان پاسخگویی قضات تأکید کرد (Januel, 2021). به‌طور کلی قضات اروپا نظارت‌پذیرند؛ چون سیاسی، حزبی و متخاصم نیستند. بلکه ارزش‌های حرفه‌ای از

۱. هر چند که در قانون به‌جهت اتخاذ تصمیمات عادلانه و بی‌طرفانه از قاضی انتظار می‌رود که تحت تأثیر احساسات و عواطف قرار نگیرد است، لیکن مسئله تأثیر عواطف و احساسات بر اکثر قضات را نمی‌توان انکار کرد؛ مثل دزدی مادری یا روی آوردن وی به فحشا جهت تأمین خوراک کودک خود تحت تأثیر این عامل. براساس این رویکرد، چنین مسائلی تأثیر منفی متقابل بر قاضی و متهم دارد و قاضی با به‌کارگیری رویکرد شفقت می‌تواند آثار آن را کاهش دهد و به نتایج مطلوبی برسد:

Hueston, Jamey and Hueston, Jamey and Hutchins, Miriam (2018). The Power of Compassion in the Court: Healing on Both Sides of the Bench. Court Review, Volume 54, 2018, p96. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3239512>

۲. Doing Justice Better.

۳. CEDH, déc. du 26.11.1992, n° 13867/88, Brincat c. Italie, ici spéc. al. n° 20-21 ; CEDH, déc. du 23.10.1993, n° 12794/87, Huber c. Suisse, v. spéc. al. n° 42 ; CEDH, déc. du 29.03.2010, n° 3394/03, Medvedyev et autres c. France, ici spéc. al. n° 123-126 ; CEDH, déc. du 29.03.2010, n° 37104/06, Moulin c. France, n° 56-60.

۴. Le juge spécialisé

۵. LOI organique n° 2016-1090 du 8 août 2016 relative aux garanties statutaires, aux obligations déontologiques et au recrutement des magistrats ainsi qu'au Conseil supérieur de la magistrature

۶. Elisabeth Guigou.

۷. « restauration du pacte civique entre la Nation et la justice ».

جمله بی طرفی، استقلال و غیره در آن‌ها فرهنگ‌سازی شده است (Tonry, Op.cit:7)؛ به همین دلیل، حفظ استقلال نهاد متوکی امر تعقیب، تحقیق و نظارت از رابطه سلسله‌مراتبی و سیطره نهادی در ایران و سوریه از تضمین‌های اجرایی دارای اهمیت است.

۶. تداوم و استمرار در نظارت

نظارت مستمر، به معنای نظارت دائمی بر تصمیمات تعقیبی و تحقیقی همراه با اتخاذ ضمانت اجرا است. در برابر نظارت مستمر، نظارت موردی و دوره‌ای مطرح می‌گردد. به هر حال، صرف پیش‌بینی معیارها و تضمینات جهت حفظ حقوق و آزادی‌های افراد کفایت نمی‌کند؛ بلکه علاوه بر آن، به نظارت فعال، مستمر و دائم نیاز است تا از اهمال یا سوءاستفاده از اختیارات جلوگیری کند (الحلی، ۱۹۸۱: ۲۱۱). نظارت مستمر و دائم موجب عدالت بهتر، برابری بیشتر و مانع ظلم می‌شود (مانع العدوان، ۲۰۰۹: ۱۲۷). در این مورد اشاره به نظر دادستان کل ایران در آیین معارفه دادستان عمومی و انقلاب شیراز قابل توجه است: «نظارت مستمر و مدیریت‌شده بر دادرهای استان، از دیگر وظایف دادستان‌های مراکز استان‌ها است و دادستان باید نظارت مستمر و عملی و واقعی بر عملکرد آن‌ها داشته باشد» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۹). رئیس کل دادگستری استان خراسان شمالی نیز این گونه اظهار نظر کرده است: «مدیران قضایی باید به صورت پیوسته و میدانی، عملکرد مجموعه‌های تحت امر خود را مورد نظارت، بررسی و ارزیابی قرار دهند تا با اصلاح برخی رویه‌های اشتباه، نتایج مطلوب حاصل گردد».

از آنجا که نظارت دوره‌ای همراه با الزامات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی کافی نیست، به نظر می‌رسد اصل را بر مستمر بودن نظارت باید قرار داد. با این حال، مصاحبه‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که سازکار نظارتی در عمل موردی و مقید به زمان است. مصاحبه‌شونده ۱۵ «آ» بیان کرد: «اختیارات دادستان که مطلق نیست؛ اولاً که امکان شکایت انتظامی و نظارت انتظامی وجود دارد، یعنی دادرهای انتظامی قضات اگر کوچک‌ترین تخلف انتظامی از جمله تخلفات این‌چنینی، تعرض به حقوق آزادی افراد باشد، اتفاق بیفته، نظارت می‌کنن، خب همین نظارت کافیه دیگه. یک قاضی عالی رتبه‌ای در دادرهای انتظامی هست که دادستان هم مواظب هست که اگر تخلفی بکنه، اون نظارت انجام میشه. هیئت‌های بازرسی و حقوق شهروندی یکیش که همون دادرهای انتظامیه که عرض کردم، یکی هم هیئت‌های بازرسی حقوق شهروندی که زیر نظر رئیس قوه قضاییه در سطح استان‌ها تشکیل میشه و از قضات عالی رتبه هر استان هستن، اونها بازرسی‌های سرزده از بازداشتگاه‌ها، از یگان‌های انتظامی، از پارکینگ‌هایی که محل توقیف خودروهای مردم هست، بازرسی می‌کنن. توی دادرها حاضر میشن، پرونده‌ها رو می‌بینن و گزارش تهیه می‌کنن. توی زندان هم میرن با متهمین مصاحبه می‌کنن و از این طریق این حقوق متهم و رعایتش مورد ارزیابی قرار می‌گیره. معمولاً در سال دوبار انجام میشه. بستگی داره، در هر استانی متفاوت هست ولی معمولاً دوبار در سال در استان‌ها انجام میشه. نظارتشون از ضابطین گرفته تا بازداشتگاه‌ها تا زندان تا پرونده‌ها یه دفعه میان، بیست چهار ساعت قبلش اعلام می‌کنن که ما فردا میایم بازرسی، دو تا بازرس میان میرن تو شعبه، پرونده‌های زندانی‌دار، پرونده‌های مهم یا هر پرونده به تشخیص شون می‌گیرن، بررسی می‌کنن، دستورات رو می‌بینن. اگر نکته‌ای بود به بازپرس تذکر میدن. اگر تخلفی بود گزارش می‌کنن. آن‌ها قضات یا قاضی سابقه‌دار هستن. این هیئت‌ها تو هر استانی هستن. توی به قول معروف قوه قضاییه هم یک دفتری هست تحت عنوان دفتر بازرسی و حقوق شهروندی که زیر نظر شخص رئیس قوه قضاییه است و گزارشات رو از استان‌ها می‌گیره و ارزیابی می‌کنه. ممکنه منتهی به تخلف قاضی بشه. اعلام بکنن و به این شکل».

مصاحبه‌شونده ۱۸ «آ» نیز بیان داشت: «مراجع نظارتی ما داریم میان بررسی می‌کنن. الان دادستان مرکز استان در راستای ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایشون سالی دو مرتبه میاد دادرها و دادرها رو مورد ارزیابی قرار میده. همچنین به حساب دادستانی کل میاد هر دو سالی. بعد دادگاه دادرهای انتظامی قضات میان هر چهار سالی و این نظارت‌ها از بیرون یعنی دادرها

این جوهری نیست که به نوع دادسرا بگه فقط دادستان و دیگه کسی دیگه نیست که نظارت کنه، نه. اینا ارزشیابی میاد نظارت می‌کنه. ارزشیابی قضات سالی دو مرتبه میان اقدامات قضات تو پرونده ارزشیابی می‌کنن. عملاً دادسرا و دادگاه فرقی نمی‌کنه. اینا مورد ارزیابی و بازرسی قرار می‌گیرن».

نبود نظارت مستمر به‌گونه‌ای نظارت را به نظارت شانس تبدیل می‌کند؛ یعنی کشف تخلف یا بررسی پرونده مبتنی بر شانس است. این نظارت شانس را از بیانات مصاحبه‌شونده^{۱۹} «آ» می‌توان دریافت کرد که: «هر شش ماه یک‌بار یا سه ماه یک بار یا دو ماه دوبار از مراجعی مثل دادستانی کل کشور، دادستانی مرکز شهرستان، مرکز استان یا حالا بازرسی‌های حقوق شهروندی میان و پرونده‌ها رو در اصطلاح رندوم می‌کنن و از این‌ها یادداشت‌برداری می‌کنن. اما نظارت کیفی به‌صورت رندوم هست، یعنی به‌صورت هر از چند گاهی یک‌بار و رندوم یا اینکه مثلاً به شخصی از پرونده‌اش ناراضی باشه، بره دادگاه انتظامی قضات شکایت بکنه یا بره حفاظت شکایتی بکنه، شکایت موردی یا اینکه مثلاً شخصی علیه شخصی گزارشی مطرح بکنه. درخصوص نظارت بستگی داره که وقتی میان شعبه پرونده‌ها رو بررسی کنن، چه دوست داشته باشن؛ مثلاً به‌صورت رندوم می‌کنن که به پرونده زندانی دار، به پرونده جاری، به پرونده مختومه، به پرونده برای جلب به دادرسی مثلاً بدید. یا کارمند بره از شعبات دربار. حالا یا قضات خودشان به انتخاب خودشون میدان یا شعبات میدان یا مدیر دفتر میده یا خود ناظر یا اون شخص نظارت‌کننده مطالبه می‌کنه شماره پرونده رو یا همینجوری یا مثلاً در سامانه سی.ام.اس. به‌صورت رندوم به شماره رو انتخاب می‌کنن و می‌کنن به پرونده نظارت کنن. همه سبکی هست و مشخص نیست چه سبکی رو می‌خوان پیاده کنن». نظارت مستمر بر وجود نظارت بر اجرای تصمیم هنگام اتخاذ آن تأکید دارد (Pauline, 2022). لذا برای رسیدن به نظارت فعال، باید نظارت مستمر، بر گام به گام فرآیند اتخاذ و اجرای تصمیمات وجود داشته باشد. نظارت موجود در ایران و سوریه بر تصمیم‌های ناقض حقوق و آزادی‌های فردی غالباً شانس و موردی است؛ بر این اساس جهت تقویت و ارتقای نظارت بر تعقیب و تحقیق در ایران و سوریه باید نظارت مستمر و مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بر اساس مصاحبه‌های انجام شده با مقام‌های قضایی و مشاهده اسناد و مدارک حاکی از آن است که قانون‌گذار ایران و سوریه با کوتاهی در برخی مسائل در نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری، اقتضانات و شرایط اجرایی نظارت قضایی را تضعیف کرده است. صرف پیش‌بینی نظارت قانونی در مقررات قانونی، کفایت نمی‌کند؛ بلکه قانونگذار مسائل بنیادین و مساعد نظارت قضایی^{۲۰} "اقتضانات و شرایط اجرایی" را نیز در نظر بگیرد. اکتفا به صرف تصریح بر نظارت و ریاست دادسرا از سوی دادستان بر تمام اقدام‌های ضابطان دادگستری و مقام‌های دادسرا، بدون تلاش برای اصلاح بنیان‌های اجرایی نظارت قضایی و ارتقا دهنده کیفیت آن موجب شده که کاستی‌های قابل توجهی در مرحله پیش‌دادرسی صورت گیرد و آن را از نظارت پویا به نظارت صوری و قیّم‌مآبانه تبدیل کند. با توجه به مصاحبه‌های حاصله در این پژوهش می‌توان ملاحظه کرد که ادبیات موجود در ایران و سوریه درخصوص این بحث، از عقب‌ماندگی قابل توجهی رنج می‌برد و جهت رسیدن به الگوی مطلوب حافظ حقوق و آزادی‌های افراد و سامان‌دهی اختیارات مقام‌های متولی تحقیق و تعقیب نیاز به اصلاحات جدی درخصوص اقتضانات و شرایط اجرایی نظارت قضایی دارد؛ از این رو پیشنهاد می‌شود که:

(۱) در عمل باید قلمرو نظارت قضایی بر جرایم مشهود چه در ایران و چه در سوریه بیشتر باشد؛ لذا ایجاد نوع تناسب بین سازکارهای نظارت بر این‌گونه از جرایم فراهم شود؛ چون مقام‌های متولی تعقیب و تحقیق در ایران و سوریه گاهی از توسعه صلاحیت‌های خود در جرایم مشهود در عمل سوء استفاده می‌کنند و اقدام‌های خطرناکی را به‌کار می‌برند.

۲) با توجه به تحولات و امکانات عصر نوین، در مسأله نظارت قضایی بر امر تعقیب و تحقیق نیز افزایش میزان بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ضرورت دارد. امروزه استفاده از فناوری‌های نوین مسأله نظارت را آسان‌سازی کرده است؛ لذا پیشنهاد می‌شود که مقام‌های ایران و سوریه زمینه نظارت از راه دور هم فراهم کنند؛ به گونه‌ای که ثبت و ضبط جلسات رسیدگی جهت نظارت در تمام مراحل دادرسی کیفری نیز استفاده شود و کنترل دستگاه‌های نظارتی در دست مقام‌های نظارت‌کننده باشد، نه در دست مقام‌های نظارت‌شونده باشد تا از هر شک و شبهه در سوء استفاده از اختیارات دور باشد؛ لذا می‌توان مسأله به‌کارگیری فناوری‌های نوین از کلاتری‌ها (توقیف‌گاه، نظارت‌گاه، اتاق بازجویی و غیره) تا ماشین‌های عملیاتی ضابطان و حتی خود ضابطان آغاز شود. هرچند که در ایران برخی از این جلوه‌ها دیده می‌شود، در حالی که سوریه از این امکانات هنوز محروم است. بر این اساس نبود میزان کافی امکانات فناوری‌های نوین در نظارت؛ چالش است که این دو نظام حقوقی ایران و سوریه از آن رنج می‌برند و نیازمند برداشتن گام‌های بنیادین در این زمینه را دارد.

۳) ضرورت افزایش فرهنگ پذیرش نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق از طریق کد رفتاری و آموزش‌های ویژه در این زمینه است؛ به گونه‌ای که مقبولیت اجرای نظارت در دستگاه‌های قضایی جاسازی و مورد پذیرش قرار بگیرد. همچنین به نظارت به عنوان مچ‌گیری نگاه نشود، بلکه این نظارت در راستای حفظ حقوق همه اطراف پرونده و کشف حقیقت است. از طریق آموزش نیز می‌توان نظارت ذاتی یا درونی افراد را تقویت نمود که این مسأله در کنار انواع دیگری از نظارت‌ها نقش مهمی ایفا کند.

۴) پیش‌بینی مقررات صریح در زمینه ضمانت‌اجرای تخطی یا تعدی مقام‌های تعقیب و تحقیق ضرورت دارد و همچنین مسأله ضمانت اجرای تعدی و تخطی مقام‌های نظارت‌شونده و نظارت‌کننده باید پیش‌بینی شود؛ به همین دلیل، پس از تامین تمام تضمین‌های نظارتی باید ضمانت اجرای مناسب پیش‌بینی شود؛ چون که تعدی و تخطی بدون پیش‌بینی ضمانت اجرا بیهوده خواهد بود. مقام‌های سوریه و ایران باید ضمانت اجرا از قبیل بطلان اقدام‌ها، ضمانت اجرایی مدنی، کیفری و انتظامی جهت حفظ حقوق و آزادی‌های فردی مورد عنایت قرار بدهد. هرگونه تعدی و تخطی مقام‌های نظارت‌کننده و نظارت‌شونده مورد ضمانت اجرا قرار خواهند گرفت به گونه‌ای که هر تعدی و تخطی مقام‌های در حین اتخاذ تصمیم و اجرای نظارت، موجب اتخاذ ضمانت اجرای مناسب از سوی نهاد نظارتی یا نهاد متولی این مرحله، می‌شود. این ضمانت اجرا دارای چهره‌های متعدد است، ممکن است در قالب عدم اجرا تصمیم‌ها، جبران خسارت یا حتی بطلان آن شود به نحوی که: "هرگونه تعدی و تخطی از حدود و اختیارات از سوی مقام‌های اتخاذ‌کننده اقدامات متعارض با حقوق و آزادی فردی یا مقامات نظارتی بر حسب اوضاع و احوال پرونده ضمانت اجرا در پی خواهد داشت از جمله جبران خسارت، بطلان اقدام‌ها و مجازات انتظامی، مدنی و کیفری ..، مگر اینکه این مقام‌های پیشین دارای حسن نیت در اقدام‌ها داشته باشد و به رغم تلاش و کوشش در اجرای مقررات قانونی، جلوگیری از آثار اقدام‌های متخذ، امکان پذیر نبوده باشد".

۵) ضرورت فراهم‌سازی امکانات اجرایی و هماهنگی‌های عملی درون و برون نهادی در خصوص مسأله پیش‌بینی نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق و ضرورت پیش‌بینی دستورالعمل اجرایی ویژه و بهره‌گیری از مساعدت سایر نهادها در این زمینه است.

منابع فارسی کتابها

۱. بولت، رابرت (۱۳۹۵). *مردی برای تمام فصول*. ترجمه فرزانه طاهری. چاپ پنجم، تهران: شرکت نشر قطره.
۲. جبان، ماجد (۱۴۰۲). *نقش ادله دیجیتال در اثبات جرایم علیه اشخاص در حقوق کیفری ایران و سوریه*. انتشارات امجد.
۳. عابدی، احمدرضا (۱۴۰۱). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۴. قماشلی، سعید (۱۳۹۳). *کرامت انسانی و نقش آن در جرم انگاری*. تهران: نشر میزان.
۵. رحمدل، منصور (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری*، جلد نخست. چاپ سوم، تهران: انتشارات دادگستر.

مقالات

۱. آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۸۷). نظارت قضایی بر تشخیص دادستان دیوان بین‌المللی کیفری. *حقوقی بین‌المللی*. ۲۵ (۳۹).
۲. پورابراهیم، احمد و یزدان‌شناس، سمیرا (۱۳۹۵ ه.ش.). سازوکار نظارت دادستان بر انجام وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. *نشریه کارگاه*، شماره ۳۷.
۳. جبان، ماجد؛ صابر، محمود و موسوی مجاب، سید ذرید (۱۴۰۳). ارزیابی حقوقی تضمین‌های قانونی راجع به نظارت قضایی بر تعقیب و تحقیق در ایران و سوریه. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*. ۱۵ (۳۷)، ۹۱-۱۲۸. doi: 10.22034/law.2025.63487.3415
۴. جبان، ماجد؛ صابر، محمود و موسوی مجاب، سید ذرید (۱۴۰۳). سازکارها و اقتضانات قضایی راجع به نظارت بر امر تعقیب و تحقیق در نظام عدالت کیفری ایران. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۵ (۲)، ۲۷-۴۳. doi: 10.22124/jol.2024.28198.2500
۵. صابر، محمود (۱۳۸۸). آیین تعقیب جنایات در دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۹ (۲).
۶. صالحی، جواد (۱۳۹۹). لباس دوربین‌دار پلیس و کارکرد حقوقی آن در نظام عدالت کیفری ایران. *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف*، ۳ (۹)، ۲۲-۷.
۷. عبدی، حسین و اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی نظارت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادرسی کیفری ایران و دیوان کیفری بین‌المللی. *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*. شماره ۱۵.
۸. عظیمی، کورش و نظری‌نژاد، محمد رضا (۱۳۹۹). نقش ضابطان دادگستری و سایر شهروندان در مواجهه با جرم مشهود مطالعه تطبیقی با دادرسی کیفری انگلیس و فرانسه. *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، شماره ۲۱.
۹. عمرانی فر، عدنان؛ شیدانپان، مهدی و عالی پور، حسن (۱۴۰۳). تأسیس مرحله «ایراد اتهام» در حقوق ایران با نگاهی به حقوق انگلستان (از ملزومات تارائه مدل مطلوب). *فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی*، ۷ (۲۴)، ۳۹-۷۳. doi: 10.22034/law.2024.2035683.1415
۱۰. کوسن، موریس (۱۳۸۴). «نظارت ویدیویی؛ دلایل موفقیت و شکست». ترجمه شهرام ابراهیمی. *مجله الهیات و حقوق*، شماره ۱۵ و ۱۶، ۳۲۳-۳۴۰.
۱۱. مؤذن‌زادگان، حسنعلی و سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۵). «قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (با تأکید بر حقوق آمریکا)». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۳ (۲).
۱۲. مؤذن‌زادگان، حسنعلی و فرجی، محمد (۱۳۹۵). «پیشینه و مبانی تشکیل پلیس قضایی در حقوق ایران». *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۴ (۸).
۱۳. میرکمالی، سید علیرضا (۱۴۰۱). «دسترسی متهم به وکیل در مرحله پیش‌دادرسی در نظام حقوقی ایران و فرانسه». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۵ (ویژه‌نامه استانداردهای وکالت).
۱۴. نوری، سید فاضل و آقایی، نسترن (۱۴۰۲). بازشناسی الگوی ارتباطی قاضی و ضابط قضائی در نظام رسیدگی کیفری. *فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی*، ۶ (۱۸)، ۱۶۶-۱۴۲. doi: 10.22034/law.2023.1978351.1206
۱۵. یوسفی، ایمان، یوسفی، سعید (۱۴۰۱). نظارت قضایی بر فرایند تایید اتهامات؛ مدل‌های دادرسی ایرانی و دیوان کیفری بین‌المللی. *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*. ۱۰ (۱۹).
۱۶. یوسفی، ایمان، یوسفی، سعید (۱۴۰۱). مدل بدون مانع تحقیقات مقدماتی در ایران، بررسی تطبیقی با نظارت قضایی شعبه پیش‌دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*. ۲۵ (۱۰۰).

سایت‌ها:

۱. خیرگزاری فارس (۱۳۹۹). نظارت بر دادرسی مستمر باشد/ ابلاغ قانون شورای حل اختلاف در آینده نزدیک. قابل دسترسی در: <http://fna.ir/f2fmjr> [آخرین مشاهده: ۱/۱۴۰۳/۱].

۲. خبرگزاری مشرق (۱۴۰۰). سفر استانی رئیس قوه قضایه به سیستان و بلوچستان. کد خبر: ۱۳۵۳۴۸۲. قابل دسترسی در: mshrgh.ir/1353482 [آخرین مشاهده: ۱۴۰۲/۶/۱۵].
۳. خبرگزاری مهر (۱۴۰۲). نصب ۲۰ هزار دوربین روی لباس ماموران پلیس/ هزار دوربین آنلاین است. قابل دسترسی در: mehrnews.com/x32MFV [آخرین مشاهده: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶].
۴. روزنامه توسعه ایرانی (۱۴۰۲). پیرو تکلیف مجلس برای نصب دوربین روی لباس ضابطان اعلام شد؛ فراجا: به ۱۵۰ هزار دوربین البسه نیاز داریم. قابل دسترسی در: <https://www.toseeirani.ir/fa/tiny/news-59078> [آخرین مشاهده: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶].
۵. سمائی، مهدی (۱۳۹۷). یک بند انگشت کمتر از اختیارات خدا، گزارشی از قدرت دادستان در فرایند تعقیب کیفری. نقد اقتصاد سیاسی: <https://pecritique.files.wordpress.com/2018/12/mahdi-samaei2-.pdf>
۶. میرمحمدی، مریم (بی تا). نیاز تحقیقات قضایی به پلیس قضایی. قابل دسترسی در: <https://www.mamirahmadi.ir/print.php?ToDo=ShowArticles&AID=31904> [آخرین مشاهده: ۱۴۰۲/۸/۳].
۷. نشست قضایی شماره ۱۳۹۹-۱۳۹۸، مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۲، برگزار شده در شهر بردسیر استان کرمان. قابل دسترسی در: <https://www.neshast.org/Home/GetPublicJSessionTranscript/d85f8a6a-febc-4af3-5cac-08d76cbef9bb>
۸. نظارت مستمر بر عملکردها، گامی مهم در اجرای سند تحول قضایی شماره: ۲۰۶۱۸۱-۲۰۱۷/۰۴-۱۴۰۱/۷/۰۴. <https://dadgostari-kl.eadl.ir>

عربی

کتابها

۱. أحمد، إبراهيم التجاني (۲۰۱۲). نظرية البطلان وأثرها على الحقوق الشرعية «في القوانين الإجرائية و الجنائية السودانية». السعودية، الرياض: جامعة نايف العربية للعلوم الأمنية.
۲. الحلبي، محمد علي السالم (۱۹۸۱). ضمانات الحرية الشخصية أثناء التحري والاستطلاع. مطبوعات جامعة الكويت.
۳. القاضي، محمد محمد مصباح (۲۰۰۸). احمایة الجنائیه للحرية الشخصية في مرحلة ما قبل المحاكمة الجنائية " دراسة مقارنة". مصر، القاهرة: دار النهضة العربية.
۴. المزوري، وعدی سليمان علی (۲۰۰۹م). ضمانات المتهم في الدعوى الجزائية (الجزاء الإجرائية). الأردن، عمان: دار حامد للنشر والتوزيع.
۵. جوخدار، حسن (۲۰۰۹م). اصول المحاكمات الجزائية. الجزء الثاني، حلب: منشورات جامعة حلب.
۶. سرور، أحمد فتحي (۱۹۷۷). الشرعية و الإجراءات الجنائية. القاهرة: دار النهضة العربية.
۷. سرور، أحمد فتحي (۲۰۰۰م). الحماية الدستورية للحقوق والحريات. الطبعة الثانية، القاهرة، دار الشروق.
۸. عبد المنعم، سليمان (۱۹۹۹). بطلان الإجراءات الجنائية، محاولة تأصيل أسباب البطلان في ظل قضاء التقص في مصر ولبنان وفرنسا. مصر، الاسكندرية: دار الجامعة الجديدة للنشر.
۹. فوده، عبد الحكم (۱۹۹۶). البطلان في قانون الإجراءات الجنائية دراسة تحليلية على ضوء الفقه وقضاء التقص. مصر، الاسكندرية: دار المطبوعات الجامعية.

رساله

۱. مانع العدوان، ممدوح حسن (۲۰۰۹). ضمانات المتهم أثناء التحقيق و مدى مراعاة مبادئ القانون الدولي لحقوق الانسان في المجال الجنائي. رساله الدكتوراه، كلية الحقوق، جامعة الإسكندرية، مصر.

منابع لاتین

A) Books

1. Birds, Jonathan M., and William H. Sousa, 'Police Use of Body Cameras', *Oxford Handbook Topics in Criminology and Criminal Justice* (2012; online edn, Oxford Academic, 2 June 2014), <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199935383.013.159>, accessed 12 Mar. 2024.
2. El Zeidy, M. M. (2023). Judicial Control of Investigations: Some Synopsis of Past and Present Approach-es. In: *The International Criminal Court in Its Third Decade*, 195-215.
3. Stahn, Carsten. (2009). Judicial Review of Prosecutorial Discretion: Five Years On. In: *The Emerging Practice of The International Criminal Court*. Brill Nijhoff, pp. 247-279.
4. Tartaro, C. (2021). Research methods for criminal justice and criminology: a text and reader. Routledge.
5. Tonry, M. (2020). *Doing justice, preventing crime*. Oxford University Press.

B) Articals

1. Bergère, Anne-Laure (2019). Le juge des libertés et de la détention, entre indépendance statutaire et dépendances matérielles. *AJ Pénal*.

2. Epps, D (2021). Checks and Balances in the Criminal Law, *Vanderbilt Law Review*, No. 74.
3. Collet, Philippe (2021). Les lacunes de la «vidéosurveillance» en procédure pénale. *Recueil Dalloz*, 20: 1099.
4. Corns, C. (2022). Prosecution Accountability and Judicial Review. *Victoria University of Wellington Law Review*, 53(1), 1–28.
5. Fabri, M. (2008). Criminal procedure and public prosecution reform in Italy: a flash back. In IJCA (Vol. 1).
6. Goré, Marie(2007). La responsabilité civile, pénale et disciplinaire des magistrats. *Electronic Journal of Comparative Law*, vol. 11.3.
7. Hamann, K. (2023). Prosecutor Data: Where Is It Now and Where Is It Going?. *Criminal Justice*, 37(4), 18-21.
8. Hodgson, Jacqueline (2002). "Hierarchy, bureaucracy, and ideology in French criminal justice: Some empirical observations." *Journal of Law and Society*, 29, no. 2, P231.
9. Hueston, J., & Hutchins, M. (2018). The power of compassion in the court: Healing on both sides of the bench. *Court Review: The journal of the American Judges Association.*, 54, 96.
10. Jabban, M., Saber, M., & Mojab, S. D. M. (2024B). Fundamentals and Implications of Accepting Ex-ante Judicial Oversight in the Pre-trial Stage of Criminal Proceeding in Iran and Syria. *Global Journal of Comparative Law*, 13(1), 86-111.
11. Jabban, M., Saber, M., & Mousavi Mojab, S. D. (2024A). A Typology of Judicial Oversight Systems in Criminal Investigation and Prosecution: A Comparative Study. *Pakistan Journal of Criminology*, 16(1).
12. Koulu, R. (2020). Proceduralizing control and discretion: Human oversight in artificial intelligence policy. *Maastricht Journal of European and Comparative Law*, 27(6), 720-735. <https://doi.org/10.1177/1023263X20978649>
13. Leblois-Happe, J. (2010). Plaidoyer pour la légalité des poursuites. *La Semaine Juridique*, (7), 322-324.
14. Mariniello, T. (2019). Judicial control over prosecutorial discretion at the International Criminal Court. *international criminal law review*, 19(6), 979-1013.
15. Mohajan, H. K. (2018). Qualitative research methodology in social sciences and related subjects. *Journal of economic development, environment and people*, 7(1), 23-48.
16. Polit, D. F., & Beck, C. T. (2010). Generalization in quantitative and qualitative research: Myths and strategies. *International journal of nursing studies*, 47(11), 1451-1458.
17. Simonson, J. (2019). The place of “the people” in criminal procedure. *Columbia Law Review*, 119(1), 249-308.
18. Tonry, Michael (2012). “Prosecutors and Politics in Comparative Perspective.” *Crime and Justice* 41, no. 1: 1–33. <https://doi.org/10.1086/666975>

C) sites and Documents

1. Arnold Ventures (2021). Campaign for criminal justice data modernization. Retrieved from <https://craftmediabucket.s3.amazonaws.com/uploads/AVCJ-Data-Report-v7-1.pdf>
2. COM, E. (2019). Building Trust in Human Centric Artificial Intelligence 168. European Commission, 8(4), 2019: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=CELEX%3A52019DC0168>
3. Januel, Pierre (2021). Emmanuel Macron lance les États généraux de la Justice. *Dalloz Actualité* : <https://www.dalloz-actualite.fr/flash/emmanuel-macron-lance-etats-generaux-de-justice>. V: 1/3/2024.
4. Pauline Le Monnier de Gouville (2022). Réflexions sur le contrôle des actes d’investigation par le juge des libertés et de la détention. <https://www.lexbase.fr/article-juridique/87159154-lepointsurreflexionsurlecontroledesactesdinvestigationparlejugesdeslibertesetdelaviepublique>
5. vie-publique, Qu’est-ce qu’un juge des libertés et de la détention (JLD) ?.(2023), v : 11/12/2023. <https://www.vie-publique.fr/fiches/38261-quest-ce-quun-juge-des-libertes-et-de-la-detention-jld>

Reference

1. Abdel Moneim, S. (1999). *The invalidity of criminal procedures, an attempt to establish the reasons for invalidity in light of the Court of Cassation in Egypt, Lebanon and France*. Egypt, Alexandria: Dar Al-Jamia Al-Jadida for Publishing. (In Arabic)
2. Abdi, H., & Ardabili, M. (2020). Judicial Supervision in the Pretrial Stage; Comparing Iran's Criminal Procedure and International Criminal Court. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 8(15), 151-172. (In Persian)
3. Abedi, A, R. (2022). *Criminal Procedure*. Tehran: Judiciary Press and Publication Center. (In Persian)
4. Aghaei Janat Makan, H.. (2009). Judicial Survey On Discretion Of The Prosecutor Of the International Criminal Court. *Law Review*, -(39), 245-263. (in Persian)
5. Ahmed, Ibrahim al-Tajani (2012). *The theory of invalidity and its effects on the legal rights "in the procedural and criminal laws of Sudan"*. Al-Riyadh, Saudi Arabia: Naif Al-Arabiya University of Security. (In Arabic)
6. Al-Halabi, M, A, A, S. (1981). *Guarantees of Personal Freedom During Investigation and Prosecution*. Kuwait University Press. (In Arabic)
7. Al-Mazouri, A.A. (2009). *Guarantees of the accused in criminal cases (procedural penalties)*. Jordan, Amman: Hamed Publishing and Distribution House. (In Arabic)
8. Al-Qadi, M, M, M. (2008). *Criminal Protection of Personal Freedom in the Pre-Criminal Trial Stage: A Comparative Study*. Egypt, Cairo: Dar Al-Nah da Al-Arabiya. (In Arabic)

9. Arnold Ventures (2021). Campaign for criminal justice data modernization. Retrieved from <https://craftmediabucket.s3.amazonaws.com/uploads/AVCJ-Data-Report-v7-1.pdf>
10. Azimi, K. and Nazari nezhad, M. R. (2020). The Role of Judicial Officers and other Citizens in Dealing with Evident Crimes. *Criminal Law Research*, 11(1), 177-200. doi: 10.22124/jol.2020.11709.1603. (In Persian)
11. Bergère, Anne-Laure (2019). Le juge des libertés et de la détention, entre indépendance statutaire et dépendances matérielles. *AJ Pénal*.
12. Birds, Jonathan M., and William H. Sousa, 'Police Use of Body Cameras', *Oxford Handbook Topics in Criminology and Criminal Justice* (2012; online edn, Oxford Academic, 2 June 2014), <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199935383.013.159>, accessed 12 Mar. 2024.
13. Bolt R.(2016). *A Man for All Seasons*. Translated by Farzaneh Taheri. Fifth edition, Tehran: Qatra Publishing Company. (In Persian)
14. Collet, Philippe (2021). Les lacunes de la «vidéosurveillance» en procédure pénale. *Recueil Dalloz*, 20: 1099.
15. COM, E. (2019). Building Trust in Human Centric Artificial Intelligence 168. European Commission, 8(4), 2019: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=CELEX%3A52019DC0168>
16. Continuous monitoring of performance is an important step in implementing the Judicial Transformation Document No. 206181-Dated 26/09/2022: <https://dadgostari-kl.eadl.ir/>
17. Corns, C. (2022). Prosecution Accountability and Judicial Review. *Victoria University of Wellington Law Review*, 53(1), 1–28.
18. Cosen, Maurice (2005). "Video Surveillance; Reasons for Success and Failure". Translated by Shahram Ebrahimi. *Journal of Theology and Law*, No. 15 and 16, 323-340. (In Persian)
19. El Zeidy, M. M. (2023). Judicial Control of Investigations: Some Synopsis of Past and Present Approach-es. In: *The International Criminal Court in Its Third Decade*, 195-215.
20. Epps, D (2021). Checks and Balances in the Criminal Law, *Vanderbilt Law Review*, No. 74.
21. Fabri, M. (2008). Criminal procedure and public prosecution reform in Italy: a flash back. In IJCA (Vol. 1).
22. Fars News Agency (2019). Monitoring of the prosecutors' offices should be continuous/Announcement of the Dispute Resolution Council law in the near future. Available at: <http://fna.ir/f2fmjr> [Last viewed: 20/03/2024].
23. Fouda, A, H. (1996). *Nullity in the Criminal Procedure Code: An Analytical Study in Light of Jurisprudence and Cassation Jurisprudence*. Egypt, Alexandria: University Publications House. (In Arabic)
24. Ghomashi, S. (2015). *Human Dignity and its Roles in Criminalization*. Tehran: Mizan. (In Persian)
25. Goré, Marie(2007). La responsabilité civile, pénale et disciplinaire des magistrats. *Electronic Journal of Comparative Law*, vol. 11.3.
26. Hamann, K. (2023). Prosecutor Data: Where Is It Now and Where Is It Going?. *Criminal Justice*, 37(4), 18-21.
27. Hodgson, Jacqueline (2002). "Hierarchy, bureaucracy, and ideology in French criminal justice: Some empirical observations." *Journal of Law and Society*, 29, no. 2, P231.
28. Hueston, J., & Hutchins, M. (2018). The power of compassion in the court: Healing on both sides of the bench. *Court Review: The journal of the American Judges Association.*, 54, 96.
29. Jabban, M. , saber, M. and Mousavi Mojab, S. D. (2024). Legal Assessment of Legal Guarantees Regarding Judicial Oversight of Prosecution and Investigation in Iran and Syria. *Jurisprudence and Islamic Law*, 15(37), 91-128. doi: 10.22034/law.2025.63487.3415. (In Persian)
30. Jabban, M. , Saber, M. and Mousavi Mojab, S. D. (2024). Mechanisms and judicial requirements for supervision over prosecution and investigation in the Iranian criminal justice system. *Criminal Law Research*, 15(2), 27-43. doi: 10.22124/jol.2024.28198.2500. (In Persian)
31. Jabban, M., Saber, M., & Mojab, S. D. M. (2024). Fundamentals and Implications of Accepting Ex-ante Judicial Oversight in the Pre-trial Stage of Criminal Proceeding in Iran and Syria. *Global Journal of Comparative Law*, 13(1), 86-111.
32. Jabban, M., Saber, M., & Mousavi Mojab, S. D. (2024). A Typology of Judicial Oversight Systems in Criminal Investigation and Prosecution: A Comparative Study. *Pakistan Journal of Criminology*, 16(1).
33. Jabban,M.(2023). *The Role of Digital Evidence in Proving Offences Against Persons in Iranian and syrian Criminal law*. Tehran: Amjad Publications. (In Persian)
34. Januel, Pierre (2021). Emmanuel Macron lance les États généraux de la Justice. *Dalloz Actualité* : <https://www.dalloz-actualite.fr/flash/emmanuel-macron-lance-etats-generaux-de-justice>. V: 1/3/2024.
35. Jokhdar, Hassan (2009). *Criminal Trials*. Part Two, Aleppo: Aleppo University Publications. (In Arabic)
36. Judicial Session No. 1399-6968, dated 22/8/1398, held in Bardsir city, Kerman province. Available at: <https://www.neshast.org/Home/GetPublicJSessionTranscript/d85f8a6a-febc-4af3-5cac-08d76cbef9bb>
37. Koulu, R. (2020). Proceduralizing control and discretion: Human oversight in artificial intelligence policy. *Maastricht Journal of European and Comparative Law*, 27(6), 720-735. <https://doi.org/10.1177/1023263X20978649>
38. Leblois-Happe, J. (2010). Plaidoyer pour la légalité des poursuites. *La Semaine Juridique*, (7), 322-324.
39. Manea Al-Adwan, M, H. (2009). Guarantees of the accused during investigation and the extent to which the principles of international human rights law are observed in the criminal field. *PhD thesis*, Faculty of Law, Alexandria University, Egypt. (In Arabic)
40. Mariniello, T. (2019). Judicial control over prosecutorial discretion at the International Criminal Court. *international criminal law review*, 19(6), 979-1013.

41. Mashreq News Agency (1400). Provincial visit of the head of the judiciary to Sistan and Baluchestan. News code: 1353482. Available at: mshrgh.ir/1353482 [Last viewed: 06/09/2023].
42. Mehr News Agency (2023). 20,000 cameras installed on police officers' clothing/8,000 cameras are online. Available at: mehrnews.com/x32MFV [Last viewed: 27/12/2023].
43. Mirkamali, S. A. (2023). Accused's access to a lawyer in the courtroom stage in the legal system of Iran and France. *Legal Research Quarterly*, 25(attorney standards), 95-117. doi: 10.52547/jlr.2023.228947.2329. (In Persian)
44. Mirmohammadi, M. (no) The need for judicial investigations in the judicial police. Available at: <https://www.mamirahmadi.ir/print.php?ToDo=ShowArticles&AID=31904> [Last viewed: 25/10/2023].
45. moazenZadegan, H. A. and soheilmoghadam, S. (2017). Exclusionary Rule on Criminal Procedure (By Emphasis on American Law). *Criminal law and Criminology Studies*, 3(2), 243-267. (In Persian)
46. MoazenZadegan, H. and Faraji, M. (2017). Background and Basis of the Constitution of the Judicial Police in Iran's Legal System. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 4(8), 39-61. (In Persian)
47. Mohajan, H. K. (2018). Qualitative research methodology in social sciences and related subjects. *Journal of economic development, environment and people*, 7(1), 23-48.
48. noori, S. F. and aghae, N. (2023). Recognizing the communication model of judge and judicial officer in the criminal system. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 6(18), 166-142. doi: [10.22034/law.2023.1978351.1206](https://doi.org/10.22034/law.2023.1978351.1206). (In Persian)
49. Omranifar, A. , Sheydaeian, M. and Alipur, H. (2024). Establishment of the Step of Laying charges in Iranian Law with a Glance at English Law (from Requirements to Providing an Appropriate Model). *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 7(24), 39-73. doi: [10.22034/law.2024.2035683.1415](https://doi.org/10.22034/law.2024.2035683.1415). (In Persian)
50. Pauline Le Monnier de Gouville (2022). Réflexions sur le contrôle des actes d'investigation par le juge des libertés et de la détention. <https://www.lexbase.fr/article-juridique/87159154-le-points-sur-reflexion-sur-le-controle-des-actes-d-investigation-par-le-juge-des-libertes-et-de-la>
51. Polit, D. F., & Beck, C. T. (2010). Generalization in quantitative and qualitative research: Myths and strategies. *International journal of nursing studies*, 47(11), 1451-1458.
52. Pourabrahim, A. & Yazdanshenas, S. (2016). "The mechanism of the prosecutor's supervision over the performance of duties and powers of judicial officers in the 2013 Criminal Procedure Code." *Detective Journal*, Issue 37. (In Persian)
53. Rahamdel, M. (2017). *Criminal Procedure*, Volume 1. Third Edition, Tehran: Dadgostar Publications. (In Persian)
54. Saber, M. (2009). The Prosecution's Procedure Of Crimes In International Criminal Court. *Law Quarterly*, 39 (2). (In Persian)
55. Salehi, J. (2020). Body-Worn Cameras of Police and its Legal Function in the Iran Criminal Justice System. "Adl va Ensaf" *Comparative Law Researches Quarterly*, 3(9), 7-22. doi: 10.22034/aeclr.2020.118098. (In Persian)
56. Samai, M. (2018). One Knuckle Less Than God's Authority, a Report on the Power of the Prosecutor in the Criminal Prosecution Process. *Critique of Political Economy*: <https://pecritique.files.wordpress.com/2018/12/mahdi-samaei2-.pdf>
57. Simonson, J. (2019). The place of "the people" in criminal procedure. *Columbia Law Review*, 119(1), 249-308.
58. Sorour, A. F. (1977). *Legitimacy and criminal procedures*. Cairo: Dar Al Nahda.(In Arabic)
59. Sorour, A. F. (2000). *Constitutional Protection of Rights and Freedoms*. Second Edition, Cairo, Dar Al-Shorouk. (In Arabic)
60. Stahn, Carsten. (2009). Judicial Review of Prosecutorial Discretion: Five Years On. In: *The Emerging Practice of The International Criminal Court*. Brill Nijhoff, pp. 247-279.
61. Tartaro, C. (2021). Research methods for criminal justice and criminology: a text and reader. Routledge.
62. Tonry, M. (2020). *Doing justice, preventing crime*. Oxford University Press.
63. Tonry, Michael (2012). "Prosecutors and Politics in Comparative Perspective." *Crime and Justice* 41, no. 1: 1-33. <https://doi.org/10.1086/666975>
64. Toseeirani Newspaper (2024). Following the parliament's mandate, it was announced to install cameras on the officers' uniforms; Faraj: We need 150,000 body cameras. Available at: <https://www.toseeirani.ir/fa/tiny/news-59078> [Last viewed: 05/02/2024].
65. vie-publique, Qu'est-ce qu'un juge des libertés et de la détention (JLD) ?.(2023), v : 11/12/2023. <<https://www.vie-publique.fr/fiches/38261-quest-ce-quun-juge-des-libertes-et-de-la-detention-jld>>
66. Yousefi, I. and Yousefi, S. (2022). Judicial supervision on confirmation of charges process; Iranian and ICC procedure models.. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 10(19), 297-318. doi: 10.22034/jclc.2022.342022.1689. (In Persian)
67. Yousefi, I. and yousefi, S. (2023). The pre trial investigation model of without barrier in Iran, comparison with the judicial supervision of pre trial chamber of ICC. *Legal Research Quarterly*, 25(100), 411-434. doi: 10.29252/jlr.2022.222240.1925. (In Persian)

Requirements and executive conditions regarding judicial supervision of prosecution and investigation in Iran and Syria; A Comparative Study

Abstract

Judicial supervision is the adoption of supervision by court judges or independent expert judges outside of the prosecution institution on the actions and decisions of the prosecution institution, including the investigator, and especially overseeing the actions that limit the rights and freedoms of individuals in the pre-trial stage of criminal proceedings. Achieving the desired pattern of judicial supervision over the matter of prosecution and investigation is not achieved simply by observing and predicting legal and judicial guarantees; Rather, in addition to these guarantees, implementation requirements and conditions are necessary. The present research is conducted in a qualitative way, while using in-depth interviews (19 people) and document analysis, only by checking on the necessary executive guarantees to promote and strengthen judicial supervision over the actions of those in charge of prosecution and investigation in Iran and Syria. The existing literature in Iran and Syria on judicial oversight suffers from significant backwardness compared to Western countries and needs serious reforms in this area. The legislator's failure to provide guarantees for the implementation of judicial oversight of prosecution and investigation in the Iranian and Syrian Criminal Procedure Code has led to significant abuses. The findings of the research indicate the necessity of using a number of executive mechanisms in the judicial supervision of investigative and prosecution measures in order to achieve a suitable supervisory model in the criminal justice system of Iran and Syria. These guarantees include the need to increase monitoring mechanisms for visible crimes in comparison with invisible crimes, using new technologies to increase the accuracy of monitoring, applying performance guarantees for the violations of the monitoring and supervised institutions, holding continuous training courses and promoting the culture of monitoring, maintaining the independence of the institution. The trustee is responsible for researching the relationship between hierarchy and institutional control, continuity and continuity in supervision.

Keywords: executive conditions, Executive requirements, prosecution, investigation, judicial supervision.

ضمیمه: فهرست افراد مصاحبه‌شونده در سوریه و ایران

فهرست افراد مصاحبه‌شونده در سوریه					
شماره	سمت	تحصیلات	سن	سابقه کار	مدت زمان مصاحبه
۱	قاضی رئیس دادرسی	کارشناسی حقوق	۵۱ سال	۱۳ سال قاضی و ۱۲ سال وکیل	۴۰ دقیقه
۲	قاضی تحقیق	کارشناسی ارشد حقوق خصوصی	۳۸ سال	۱۰ سال	۱۰۰ دقیقه
۳	قاضی شرعی	کارشناسی حقوق	۴۳ سال	۱۰ سال قاضی و ۵ سال وکیل	۵۵ دقیقه
۴	قاضی صلح کیفری	کارشناسی حقوق	۳۸ سال	۳ سال	۵۰ دقیقه
۵	قاضی رئیس دادرسی	کارشناسی حقوق	۵۳ سال	۱۰ سال وکیل و ۱۵ سال قاضی	۱۱۰ دقیقه
۶	قاضی رئیس دادرسی	کارشناسی حقوق، کارشناسی اقتصاد و کارشناسی ارشد اقتصاد	۴۶ سال	۷ سال وکیل و ۱۶ سال قاضی	۲۵ دقیقه

۷	قاضی رئیس دادسرا	کارشناسی حقوق	۵۳ سال	۱۵ سال وکیل و ۱۳ سال قاضی	۳۱ دقیقه
۸	قاضی رئیس دادسرا	کارشناسی حقوق	۴۶ سال	۱۲ سال وکیل و ۸ سال قاضی	۳۵ دقیقه
۹	قاضی احاله	کارشناسی حقوق و دیپلم قانون	۶۱ سال	۵ سال وکیل و ۲۸ سال قاضی	۷۵ دقیقه
۱۰	استادیار	دکتری حقوق کیفری	۴۶ سال	۱۴ سال	۷۰ دقیقه
فهرست افراد مصاحبه‌شونده در ایران					
۱۱	استادیار و وکیل	دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی	۴۵ سال	۱۶ سال	۵۴ دقیقه
۱۲	بازپرس	دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی	۳۰ سال	۴ سال	۵۵ دقیقه
۱۳	دادیار	دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی	۳۱ سال	۳ سال	۳۵ دقیقه
۱۴	قاضی دادگاه کیفری	دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی	۳۹ سال	۱۴ سال	۹۰ دقیقه
۱۵	دادستان	دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی	۴۲ سال	۱۶ سال	۲۴ دقیقه
۱۶	معاون قضایی دادگستری	دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی	۴۳ سال	۱۲ سال	۶۱ دقیقه
۱۷	قاضی دادگاه حقوقی	دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی	۳۶ سال	۱۰ سال	۲۲ دقیقه
۱۸	دادستان	کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی	۳۸ سال	۱۰ سال	۲۵ دقیقه
۱۹	دادیار	دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی	۲۸ سال	۶ سال	۴۷ دقیقه